

قیمت دارو تا چند برابر افزایش می‌یابد

● میزان سوبسیدارزی دولت در بخش بهداشت و درمان ۵۱ درصد کاهش یافت
● در برنامه دوم، هیچ بیمارستان دولتی جدید ساخته نخواهد شد
علیرضا مرندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی، اعلام کرد که قیمت دارو و هزینه‌های درمانی در کشور بار دیگر چندین برابر افزایش خواهد یافت. مرندی گفت: "ملزومات پزشکی دیگر با ارز ۷۰ ریال خریداری نمی‌شود و به ناچار باید از ارز ۱۶۰۰ ریال جهت خرید این تجهیزات و ملزومات استفاده کنیم که این مسئله موجب می‌شود به زودی قیمت دارو و هزینه‌های درمانی در کشور چندین برابر افزایش یابد.
افزایش قیمت دارو به یک مسئله مداوم تبدیل شده و قیمت داروها و خدمات درمانی بدون هیچ حساب و کتاب و بصورتی لجام گسیخته افزایش می‌یابد. دولت خود بزرگترین عامل این افزایش قیمتها است که نه تنها مردم را با دشواریهای ادامه در صفحه ۳

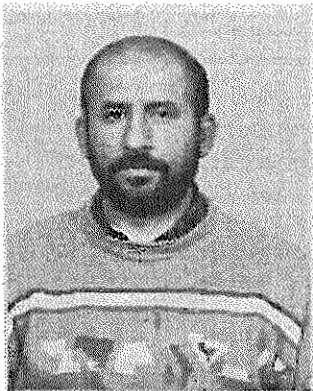
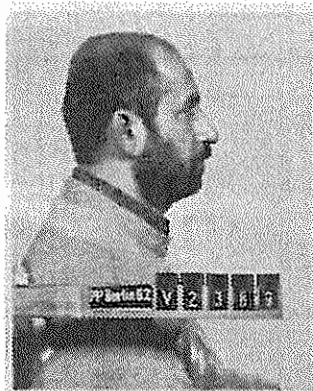
آغاز دادگاه متهمان جنایت برلین متهم اصلی رژیم جمهوری اسلامی است

- دادستانی آلمان، سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی را عامل ترور می‌داند
- ماموریت فلاحیان در سفر به آلمان برای پرده پوشی نقش جمهوری اسلامی در ترور اعتراضات بیسابقه‌ای را برانگیخت

فردا، ۵ شنبه ۶ آبان ماه ۱۳۷۲ (۱۲۸ اکتبر ۹۳)، محاکمه عاملان ترور کتر صادق شرفکندی و تن از همزمان او، فتاح عبدلی، همایون اردلان و توری دهکردی، در شهر برلین محل وقوع حادثه آغاز خواهد شد. در آستانه شروع این محاکمه ماموریت سه روزه علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی برای توافق با مقامات آلمانی به منظور پرده پوشی نقش حکومت اسلامی در این

ترور، اعتراض شدیدی را در آلمان و بازه‌ای دیگر از کشورهای اروپایی و آمریکا برانگیخت.
حکومت اسلامی بر صندلی اتهام ۵ نفر به اتهام شرکت در ترور محاکمه خواهند شد. متهمان عبارتند از: یوسف امین، ۲۵ ساله، متخصص مواد منفجره، عضو پیشین امل و حزب الله در بیروت، محمد آرتیس ۲۲ ساله، پناهنده از لبنان، عباس رابیل، ۲۵ ساله، عضو فعال حزب الله و آموزش دیده در ایران، عطا الله ایاز، ۲۶ ساله، دوره دیده

ادامه در صفحه ۲



کاظم دارابی عضو وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در ارتباط نزدیک با سازمان تروریستی حزب الله لبنان است. بر اساس اطلاعات به دست آمده توسط دادستانی آلمان، وی در تابستان ۹۲ دستور ترور رهبر حزب دمکرات کردستان ایران را مستقیماً از تهران و از وزارت اطلاعات دریافت می‌کند. دارابی که روابط تنگی با ماموران اطلاعاتی سفارت جمهوری اسلامی در برلین و کنسولگری جمهوری اسلامی در برلین دارد نقشه قتل را با کمک دو مامور اطلاعاتی در سفارت جمهوری اسلامی طراحی می‌کند و سپس با تکثیر کردن رابطه خود با امین و "رابیل" تیم ترور را سازماندهی می‌کند. به محض ورود و کتر شرفکندی به برلین برای شرکت در کنفرانس انترناسیونال، تیم ترور وارد هتل می‌شود. روز ۱۷ سپتامبر حوالی ساعت ۲۳ در حالی که "امین" (لبنانی بازداشت شده) جلوی رستوران میکونوس به نگهبانی ایستاده بود، "رابیل" (لبنانی بازداشت شده) و شریف (ایرانی نواری) با یک مسلسل و یک تانچه وارد اتاق کناری رستوران شده و...

جمهوری اسلامی میزان بدهی‌های خود را پنهان می‌کند

در صفحه ۳

نرخ تعرفه‌های کالا‌های وارداتی به شدت افزایش یافت.

در صفحه ۳

چشم به راه مرگ ناکامی تیم ملی فوتبال ایران

در صفحه ۳

دستگیری یک سرهنگ ارتش

دیدار خامنه‌ای و کروبی مجمع روحانیت مبارز فعالیت سیاسی خود را از سر می‌گیرد

پس از انتخابات مجلس چهارم، که در آن اکثر نامزدهای مجمع روحانیون مبارز نتوانستند به مجلس راه یابند، این مجمع اعلام کرد که فعالیت‌های سیاسی خود را قطع می‌کند؛ پیشتر به کارهای فرهنگی و امور دینی می‌پرداخت و تنها انتشار روزنامه‌ی سلام به مسئولیت آقای خوبی‌ها را ادامه خواهد داد.

اخیراً آقای کروبی، که از چهره‌های سرشناس این جریان است، پس از دیدار با خامنه‌ای اعلام کرد است که فعالیت سیاسی مجمع از سر گرفته خواهد شد. او می‌گوید خامنه‌ای از تداوم "فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی" آنها حمایت کرده است.
بدین ترتیب پیداست که آقای کروبی به دیدار خامنه‌ای رفته است تا بداند آیا سلام را خواهند بست یا نه؟ پس از دیدار ظاهراً امیدوار شده است که حداقل فعلاً هنوز چنین تصمیمی گرفته نشده است.
در این رابطه از کروبی می‌پرسند اگر چنین است پس چرا هنوز مهندس عبیدی سردبیر سلام در زندان است؟ او در پاسخ گفته است، مهندس عبیدی از شخصیت‌های با سابقه و مبارز و متفکر و پیرو خط امام است اما از چگونگی دستگیری وی اطلاع کاملی ندارد. اما به نقل از آقای خوبی‌ها گفته که رئیس قوه قضاییه - شیخ محمد بزدی - علت این بازداشت را عمدتاً جرایم مطبوعاتی ذکر کرده‌اند.
علیرغم برخی جنبه‌های ظاهراً سازنده که در اظهارات آقای کروبی به چشم می‌خورد، فاکت‌ها و سابق نشان می‌دهد که قصد سران حکومت و در راس همه شخص

تشدید فعالیت رژیم علیه اپوزیسیون

سیاست‌های جمهوری اسلامی از جمله برنامه "تعدیل اقتصادی" جامعه را در آستانه یک وضع انفجاری قرار داده است. هیچ دورنمایی در جهت غلبه بر بحران اقتصادی مشاهده نمی‌شود. مردم روز بروز تنگ‌تر و فقیرتر میشوند. این وضع موج نارضایتی و حرکات اعتراضی را در بین مردم برانگیخته است. گردانندگان رژیم از وسعت گرفتن اعتراضات و شورش‌های مردمی و پیوند یافتن آنها با نیروهای اپوزیسیون بشدت نگرانند.

رژیم اسلامی برای مقابله با خطرات ناشی از این وضع از یکسو در صد تقویت و تمرکز هر چه بیشتر نیروهای انتظامی است و از سوی دیگر در تلاش برای محدود تر کردن فعالیت نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور است. تقویت نیروهای انتظامی بمنظور سرکوب سریع و به موقع حرکات و شورش‌های مردمی صورت می‌گیرد تا اعتراضات دامن نگسترده و مناطق دیگر را شعله ورنسازد و امکان هدایت و رهبری آن از نیروهای اپوزیسیون سلب گردد. این برنامه حکومت در ماه‌های اخیر شدت گرفته است.

به همین منظور رژیم اسلامی در هفته‌های اخیر به تلاش‌های خود برای مقابله با نیروهای اپوزیسیون و محدود کردن فعالیت آنها افزوده است. از جمله این تلاش‌ها مسافرت علی فلاحیان وزیر اطلاعات به آلمان و مذاکرات وی با مقامات امنیتی این کشور بود. گزینده و طرف بصراحت از مضمون مذاکرات سخنی پیمان نیاروند ولی چنانکه از مصاحبه‌های مطبوعاتی برمیآید، بخشی از مذاکرات اختصاص به فعالیت نیروهای اپوزیسیون در آلمان و مبادله اطلاعات در این زمینه داشته است. فلاحیان در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار داشت که بین دو کشور در دو سال اخیر روابط اطلاعاتی ایجاد شده است. او این روابط را بسیار خوب ارزیابی کرد و اعلام نمود که تهران از همکاری دولت آلمان با جمهوری اسلامی خرسند است.

هدف رژیم از این همکاری آن است که بتواند جلوی فعالیت نیروهای اپوزیسیون در آلمان را بگیرد. به نوشته مطبوعات آلمان فلاحیان در جریان سفرش از دولت آلمان خواسته است مانع فعالیت اپوزیسیون ایرانی در آلمان شود. بعلاوه رژیم می‌کوشد از طریق روابط اطلاعاتی با رگان‌های امنیتی آلمان اطلاعات بیشتری از نحوه فعالیت اپوزیسیون ایرانی بدست آورد. بنظر میرسد مقامات آلمانی در این زمینه به حکومت اسلامی پاسخ منفی نداده‌اند.

روزنامه فرانکفورتر آلگمانیه "از قول روزنامه عربی شعبون العربیه" نوشته است مقام‌های آلمانی به فلاحیان پیشنهاد کرده‌اند چنانچه تهران از اعدام "ژیمکوس" آلمانی که به جرم جاسوسی برای عراق در یک دادگاه جمهوری اسلامی به مرگ محکوم شده است، چشم‌پوشی کند و او را آزاد کند، همه اسنادی را که از سازمان اطلاعات و امنیت آلمان سرنفی درباره ایرانیان و امور مربوط به ایران در دست دارد، در اختیار ادامه در صفحه ۶

واگذاری اختیار امور به واجدین شرایط شده است تا از ویرانی کشور جلوگیری شود.
گزارش‌های دیگر حاکی از آن است که علاوه بر سرهنگ توکللی افسران دیگری نیز دستگیر شده‌اند. خبر گزارهای غربی دستگیری افسران را نتیجه کشف یک توطئه کودتا توسط آنان دانستند. روزنامه‌های تهران دستگیری این افسران را به دستگیری یک آلمانی مربوط دانسته‌اند که اخیراً پس از بازگشت فلاحیان از سفرش به آلمان، در تهران دستگیر شده است.

به گزارش سازمان برون مرزی حزب ملت ایران، روزیکشنبه ۱۸ مهر ماه سال جاری سرهنگ نصرالله توکللی در تهران توسط مامورین امنیت جمهوری اسلامی دستگیر شده است. منبع این گزارش، خبری است که سازمان مذکور از تهران دریافت کرده است.
سرهنگ توکللی که از نزدیکان سپهبد فرهنی می‌باشد، عضو شورای نظامی کابینه موقت مهندس بازرگان بود. وی در نامه‌های سرگشاده‌ای خطاب به سران حکومت خواهان کناره‌گیری آنان از حکومت و

کیهان هوایی ۲۱ مهر ماه در یک سر مقاله‌ی مهم، این دیدار را به معنای تضمین ادامه فعالیت مجمع روحانیون مبارز تعبیر می‌کند و از آن شادند استقبال می‌نماید. کیهان می‌نویسد:
حضور نیروهای دلسوز و آزموں داده در عرصه سیاسی کشور نه تنها مغتنم است، بلکه زمینه را برای جولان عناصر ناصداق - که خصیصه اصلی‌شان هماهنگی فرصت طلبانه با هر تفکر و گرایش دارای اکثریت است - محدود خواهد ساخت.
اشاره کیهان به عده‌ای از نمایندگان مجلس است.
امروز مساله دیگری نیست که مجمع روحانیون مبارز آبی می‌تواند - تا چه حد - در مسئولیت اداره کشور مشارکت داشته باشد. مساله امروز اینست که این نیرو، در جمهوری اسلامی ایران، به چه قیمت و تا چه میزان می‌تواند از "آزادی بیان" برخوردار گردد؟
با توجه به آنچه که بر جمهوری ادامه در صفحه ۳

بشارتی رئیس شورای امنیت کشور شد.

وزیر کشور علی محمد بشارتی توسط رفسنجانی در دو حکم جداگانه به سمتهای رئیس شورای امنیت کشور و قائم مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر منصوب شد. دلیل این انتصاب تسهیل در امور جاری و فعالیت‌های شورای امنیت کشور ذکر شده است. بشارتی از زمان تصدی پست وزارت کشور در سخنرانی‌های متعدد سعی نموده است که تصویر یک مسئول قاطع خواهان نظم در

کوشور را از خود به نمایش بگذارد و در این راستا از تهدید زیرستانش در رخ نکرده است. پس از تعویض وزیر کشور خامنه‌ای و رفسنجانی اختیارات بسیاری را به وزیر جدید کشور تفویض کرده‌اند. به نظر می‌رسد هدف از این اقدامات، تمرکز هر چه بیشتر نیروهای سرکوبگر و فعال کردن وزارت کشور به عنوان عامل عمده برقراری نظم مطلوب حکومت اسلامی است.

در این شماره

وضعیت آموزش و پرورش در ایران ۷ صفحه

بارد یگر از باورها - ۲

صفحه ۷

متهم اصلی رژیم جمهوری اسلامی است

ادامه از صفحه ۱



اجساد قربانیان، ساعتی پس از وقوع جنایت

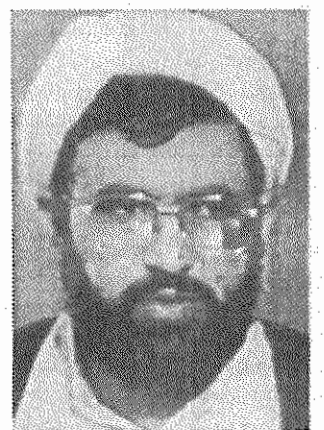
آلمان برای برده پوشی این دخالت را مورد تأکید قرار دادند. مجلات پر تیراژ و معتبری نظیر اشپگل، فوکس و اشترن با انتشار گزارش‌های ویژه، اطلاعات تازه‌ای از تحقیقات انجام شده و نتایج حاصله توسط دادستانی آلمان و مأموریت فلاحیان فاش ساختند. هفته‌نامه اشترن در آخرین شماره خود ضمن اشاره به عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور، به یک سند از سازمان سیا آمریکا اشاره کرده که در اختیار این نشریه قرار گرفته است. مطابق این سند کنترل و پیگرد مخالفان رژیم در داخل و خارج از مرزهای ایران عمدتاً به جهت حذف فیزیکی آنان صورت می‌گیرد. اشترن سپس به یک سند از سازمان امنیت آلمان اشاره نمود که علی فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی را عامل اصلی این پیگردها می‌داند. اشترن ضمن اشاره به سفر فلاحیان نوشت: «متخصصین امنیتی آلمان باستی میدانستند که با چه کسی ملاقات می‌کنند. نام علی فلاحیان هفته آینده در دادگاه برلین به میان خواهد آمد. این نشریه افزود: «دادستانی آلمان در ادامه جرم علیه ۵ نفری که محاکمه می‌شوند، تردیدی ندارد عملیات توسط سازمان مخفی ایران هدایت شده است. این اولین باری است که یک دادستان آلمان، تهران را به صدور ترور و رژیم متهم می‌سازد.» اشترن به یک سخنرانی فلاحیان در اوت ۱۹۹۲ در تلویزیون جمهوری اسلامی اشاره کرده که فلاحیان در آن مصاحبه اعلام کرده بود: «ما موفق شده ایم به این گروه‌های کوچک در خارج از کشور لطامت جدی وارد سازیم. به نوشته اشترن دادگاه برلین از این نظر حرکت می‌کند که سازمان امنیتی ایران هواک - دستور قتل در برلین صادر کرده است. در گزارش سازمان امنیت آلمان پیرامون این ترور، با اشاره به سخنرانی فوق‌الذکر فلاحیان آمده است: «ترور نتیجه و ادامه سیاستی است که توسط فلاحیان تصیف شد. اشترن ضمن برشمردن باره‌ای از ترورها از جمله ترور عبدالرحمان قاسملو، کاظم رجوی، شاپور بختیار، محمد حسین نقدی، به گزارش محرمانه دیگری از پلیس جنایی آلمان استناد کرده که در آن گفته شده است، «بنت تمام این ترورها رژیم تهران ایستاده است.»

اعتراض بی سابقه به سفر فلاحیان به آلمان

با توجه به مذاکره غیر قابل انکار در مورد دخالت جمهوری اسلامی ایران در ترور برلین و نقش ویژه وزیر اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی در آن، سفر علی فلاحیان به آلمان، آنهم درست در آستانه تشکیل دادگاه، واکنشهای اعتراضی شدیدی را سرانگیزخت. علی فلاحیان به دعوت شمیت باوئر، وزیر مشاور در دفتر صدراعظم آلمان

به این کشور سفر کرد. باوئر مسئولیت سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی این کشور را بر عهده دارد. به نوشته مطبوعات آلمان، مقامات آمریکایی و انگلیسی از اقدام شمید باوئر انتقاد کردند. وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا نگرانی خود از سفر فلاحیان را با کلاوس کینکل همتای آلمانی خود، در مورد این دیدار غیرعادی در میان گذاشت. به نوشته روزنامه «وال استریت ژورنال»، کلینتون رئیس جمهور آمریکا از این مسئله به شدت ناراحت شده است، زیرا آلمان بعنوان بزرگترین طرف معامله اقتصادی ایران مانع از انزوای این کشور می‌شود. دولت بریتانیا نیز در یک موضع گیری علنی، دیدار فلاحیان از آلمان را محکوم کرد. وزیر خارجه انگلیس با احضار سفیر آلمان، ناراضی کنش خود از این دیدار را به وی ابلاغ کرد. روزنامه دیلی تلگراف از قول یک مقام انگلیسی نوشت: «ارتباط‌های بلند با به امنیتی فقط بین کشورهای دوست انجام می‌شوند، نه با کسانی که باند‌های گانگستری به اروپای غربی می‌فرستند.» برخی دیگر از اعضای جامعه اروپا نیز به آلمان

اعتراض کرده‌اند. زیراتطبق مصوبات این جامعه، هرگونه مذاکره با جمهوری اسلامی که از چارچوب گفتگوی انتقادی فراتر رود، منع شده است. شمید باوئر در نخستین موضع گیری رسمی خود، از ملاقات با فلاحیان دفاع کرد. وی گفت این دیدار به دلایل انسانی و دلایل مهم سیاسی ضرورت داشت. شمید باوئر افزود: «تلاش ما برای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی سال گذشته در تهران آغاز شد و به آزادی دو گروگان آلمانی در لبنان انجامید. وزیر مشاور دولت آلمان در مورد انتقادات کشورهای دیگر مقابلاً به افشای آنها پرداخت و گفت: «دروغ می‌گویند و این نکته را لا بوشانی می‌کنند که خودشان هم مذاکراتی داشته‌اند. وقتی برخی اظهار نظرهای خارجی را می‌شنوم، از خود می‌پرسم که خود آنها در چند سال اخیر چه کرده‌اند. آنها مذاکرات گسترده‌ای داشته‌اند.»



شمیت باوئر - علی فلاحیان

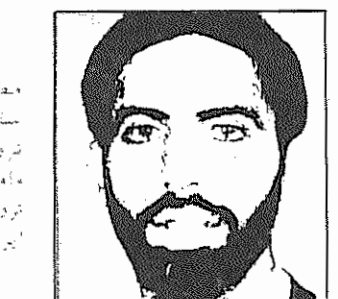
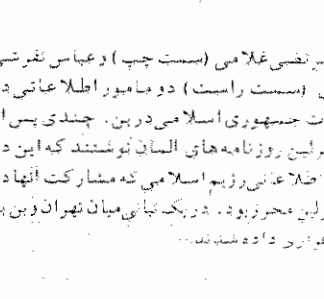
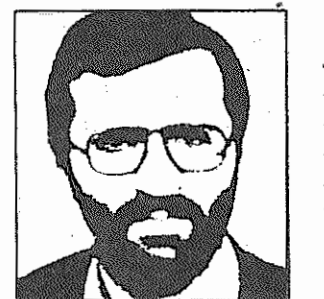
ملاقات این دو مقام امنیتی جنجال بزرگی برانگیزت



خواست در پارلمان پیرامون مذاکرات با فلاحیان توضیح دهد. سوسیال دموکراتها در سؤال رسمی خود از دولت خواسته‌اند اعلام کند در کیفرخواست پرونده ترور برلین از فلاحیان به عنوان کارگردان عملیات نام برده شده است یا نه و با فلاحیان در این مورد گفتگو صورت گرفته است یا نه؟ یک نماینده حزب سبزهای آلمان در پارلمان اروپا، از قول یک مقام اداره آگاهی فدرال آلمان گفت: به عقیده این اداره فلاحیان می‌بایست بلافاصله پس از ورود به آلمان در فرودگاه دستگیر می‌شد. این نماینده سبزها فرار شمید باوئر را به علت کمک به فرار مجرم تحت تعقیب قرار گیرد. هفته نامه فوکس نیز از قول یک مقام دادستانی نوشت، دادستانی آلمان بسیار مایل بود که علیه فلاحیان حکم جلب صادر کند. نماینده حزب ترقی خواه اتحادیه ۹۰ گفت: «دولت (آلمان) حقوق بشر را قربانی منافع اقتصادی می‌کند. یک نماینده حزب سوسیال دموکراتها خواستار آن شد که در صورت اثبات مداخله سفارت جمهوری اسلامی ترور برلین، حسین موسوی سفیر حکومت اسلامی، از این کشور اخراج شود. حتی در صفوف حزب سوسیال مسیحی، حزب حاکم آلمان، نیز انتقاد نسبت به این سفر بالا گرفته است.»

توضیحات ضد و نقیض دولت آلمان

دولت آلمان در برابر موج گسترده انتقادات به دفاع از اقدام خود پرداخت. سخنگوی دولت آلمان مدعی شد مذاکرات با فلاحیان صرفاً در خدمت اهداف انسانی و ستانه بوده است. مقامات آلمانی کوشیدند و انمود کنند تنها موضوعات مورد بحث با فلاحیان، سرنوشته آلمانیهای دستگیر شده در ایران و گروگانها در خاورمیانه بوده است. اما توضیحات دولت آلمان هیچ کس را قانع نکرد. شمید باوئر که در نخستین واکنشهای خود احتمال دخالت فلاحیان در ترور برلین را رد کرده و گفته بود: «هر کس جزئیات را بداند به نتایج به کلی متفاوتی می‌رسد.» سرانجام مجبور شد در یک سخنرانی تلویزیونی سخنان خود را اصلاح کند و اعلام کند که نقش رئیس سازمان



اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در ترور مذکور منتفی شده نیست. بر خورده‌های شتابزده دولت آلمان در قبال این سفر، نشانه عدم آمادگی دولت آلمان در دفاع از اقدام خود و نوعی سردرگمی بود. زیرا قرار نبود کسی از سفر فلاحیان به آلمان و ملاقات وی با مقامات امنیتی این کشور مطلع شود. به نوشته هفته‌نامه اشترن «این سفر نمی‌بایست تحت هیچ شرایطی افشاء می‌شد.»

گروگانگیری در تهران

همزمان با بازگشت فلاحیان به ایران، گره‌ها در باخ مان یک تبعه آلمانی در ایران و عضو هیئت رئیسه صنعت و تجارت ایران و آلمان به جرم جاسوسی و ارتباط غیرقانونی با برخی از پرسنل ارتش دستگیر شد. دستگیری باخ من بر پیچیدگی مناسبات جمهوری اسلامی و دولت آلمان افزود. دستگیری این فرد آلمانی که به نوشته نشریات آلمان «عضو یا نفوذ سازمان امنیت آلمان است، نشانه ناراضی جمهوری اسلامی از نتایج سفر فلاحیان به آلمان تلقی شده است. آشکار است که جمهوری اسلامی با دستگیری گره‌ها در باخ مان کوشیده است دولت آلمان را در آستانه‌ی تشکیل دادگاه ترور برلین تحت فشارهای بیشتری قرار دهد. دولت آلمان با احضار موسوی سفیر جمهوری اسلامی و پاره‌ای دیگر از اقدامات نسبت به دستگیری تبعه خود واکش نشان داد.»

تصمیم چه خواهد بود؟

دلایل کافی وجود دارد، که جمهوری اسلامی بدنبال ۱۵ سال عملیات تروریستی علیه اپوزیسیون در خارج از کشور و قتل رساندن بیش از ۵۰ تن از مخالفان خود، برای نخستین بار بطور رسمی بر صندلی اتهام دادگاه قرار گیرد و محکوم شود. اهمیت تصمیم دادگاه آلمان بی‌تردید در سرنوشته سیاستهای تروریستی جمهوری اسلامی بسیار است. اگر دادگاه در مورد حسین ترور برلین تصمیم عادلانه‌ای بگیرد و متهم را بر جای واقعی خود بنشانند، سیاستهای تروریستی جمهوری اسلامی با موانع و مشکلات بزرگی مواجه خواهد شد و مبارزه ضد تروریستی نیروهای اپوزیسیون کشور که ۱۵ سال است جمهوری اسلامی را عامل ترورهای خارج از کشور معرفی می‌کنند، به پیروزی بزرگی دست خواهد یافت. از همین رو اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی که قربانی سیاست لجام گسیخته تروریستی حکومت اسلامی است با حساسیت و علاقه جریانی این محاکمه را دنبال می‌کند.

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان در آستانه برگزاری دادگاه با ارسال نامه سرگشاده‌ای به مقامات مسئول دولت آلمان، نسبت به نتایج سفر فلاحیان به آلمان ابراز نگرانی کرده است. کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور نیز با انتشار بیانیه‌ای ضمن اشاره به تشکیل دادگاه میکونوس تأثیرات احتمالی سفر فلاحیان به آلمان بر نتیجه پرونده ترور برلین را محکوم کرده است.

نامه سرگشاده

به: رئیس جمهور جمهوری فدرال آلمان
رئیس پارلمان فدرال آلمان
صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان
وزیر خارجه دولت فدرال آلمان
وزیر کشور دولت فدرال آلمان
خانمها و آقایان محترم،
ما به عنوان بخشی از اپوزیسیون ایران، با نگرانی زیاد گزارش‌های مربوط به تماس‌های سرویس‌های اطلاعاتی آلمان و وزیر مشاور در دفتر صدارت عظمی با سرویس مخفی ایران را دنبال می‌کنیم. اپوزیسیون دموکراتیک ایران که همواره به قوانین جمهوری فدرال آلمان احترام گذاشته است، از خود می‌پرسد چه چیز نمایندگان عالی‌رتبه دولت آلمان را بر آن داشته است که با مسئول دستگاه سرکوب یک رژیم ناقص حقوق بشر به مذاکره بنشینند. با توجه به اظهارات وزیر اطلاعات ایران در باره همکاری دو کشور در عرصه امنیتی و نظریه گزارش‌ها در باره دخالت سرویس مخفی ایران در عملیات تروریستی علیه مخالفان در اروپای غربی، نگرانی ما موجه است. ما از مقامات آلمانی می‌خواهیم افکار عمومی را در جریان همه جزئیات توافق‌ها و مذاکرات با سرویس مخفی ایران بگذارند. ما خواهان تضمین امنیت همه مخالفان رژیم ایران در آلمان و تعهد دولت آلمان به تضمین حقوق ایرانیان ساکن آلمان، از جمله حق آزادی بیان و تجمع هستیم. ما از شما تقاضای می‌کنیم که کاری کنید که رژیم ایران نتواند از همکاری امنیتی با آلمان سخن بگوید. اینگونه اظهارات را تکذیب کنید. نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کنید.
دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

طراح نشریه فاراد به ۱۰ سال زندان محکوم شد

روزنامه‌های تهران اعلام کردند که کریم زاده، طراح طرح معروف فویالیستی که گویا شباهتی به آیت‌الله خمینی دارد به ده سال زندان محکوم شده است. قبلاً ناصر عربی مدیر مجله فاراد که طرح مذکور در آن بچاپ رسید، تبرئه شده بود.
بنابه اظهارات محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، کریم زاده در دادگاه دیگری به غیر از دادگاه مطبوعاتی محاکمه و به این حکم سنگین و ظالمانه محکوم شده است. یزدی نام دادگاه محکوم کننده وی را اعلام نکرد.
از سوی دیگر احمد پورنجانی معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرد، هیئت منصفه مطبوعاتی نخواهد توانست در دادگاه رسیدگی به پرونده مهدی نصیری مدیر روزنامه کیهان که قرار است روز ۱۷ آبان ماه جاری برگزار شود، شرکت کند. دلیل این امر ظاهراً آن است که دوره فعالیت هیئت منصفه فعلی پایان رسیده و باید هیئت منصفه جدیدی تشکیل شود. پیش از این دادگاه کیفری تهران از اعضای این هیئت دعوت کرده بود در دادگاه نصیری شرکت کنند. پورنجانی گفت: احتمال دارد محاکمه مذکور در دادسرای ویژه روحانیت صورت گیرد، زیرا نصیری «مشغول تحصیل در حوزه علمیه است.»
ادامه در صفحه ۶

چشم به راه مرگ

اسم واقعی اش چیز دیگری است، اما ما او را سانا رضایی نام گذاشته ایم. چرا که انتشار نام واقعی اش بر ایمان ممکن نیست. سانا زن جوانی است ساکن تهران که اگر معجزه ای روی ندهد تا چند هفته دیگر بیشتر زنده نخواهد ماند. وی با همسر و دو فرزندش ساکن یکی از محله های فقیرنشین تهران بود تا اینکه چند ماه پیش همسایه ها از روابطش با یک مرد دیگر برای همسرش خیر بردند. همسر خشمگین هم یک روز با سداوران راه خانه آورد تا زن را دستگیر کنند. سانا متکرراً با پسرش نشد، لذا به زندان افتاد و به پای میز محاکمه کشیده شد. حکام شرع برای اعدام بریدند.

سانا هنوز زنده است، چرا که حکم اعدام علیه زنان سه ماه بعد از صدور به اجرا درمی آید. در این مدت میتوان تعیین نمود که زن باردار است یا نه. در صورت بارداری، زن تا زادن بچه خود زنده نگه داشته می شود و پس از آن خونش ریخته خواهد شد. در غیر این صورت در همان پایان ماه سوم سرش بالای دار خواهد رفت.

سانا اما یاردار نیست. همسرش می گوید که او خواهان مرگ زنتش نبوده است و از این روز طرف هفته های اخیر چندین بار به دادگاه شکایت برده و عفو سانا را خواستار شده، اما نتیجه ای نگرفته است. به او گفته اند که دادگاه بر اساس شرع اسلام حکم صادر کرده است. در واقع حکام شرع جمهوری اسلامی به مذهب استناد می کنند تا مرگ را مشروعیت بخشند.

دوستان خانواده سانا برای نجات وی دست به کار شده اند یکی از جعفری تانان با نفوذ ایران کوشیده تا حکام شرع را به تجدید نظر در حکم خود متقاعد کند، اما راه به جایی نبرده است. یک ایرانی ساکن برلین که با دوستان خانواده سانا آشنایی دارد در تلاش است تا به وسیله سانا را از مرگ نجات دهد. او سازمانهای حقوق بشر و رسانه های گروهی را از ماجرای سانا مطلع کرده است.

سانا هنوز زنده است. او مورد منحصر بفردی در زندانهای ایران نیست، اما بجز عاملان رژیم و دستیاران آنها کمتر کسی دقیقاً میدانند که چندین زن دیگر در زندانهای جمهوری اسلامی به دلایلی همسان در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می برند.

روزنامه TAZ ۱۱۵۲ کتیر

دیدار گروهی با خامنه ای

اسلامی ایران در این ۱۵ سال گذشته است، در ارزیابی از امکانات آینده باید گفت: اگر اسلام و سلامیان در موضع انتقادی خود استوار بمانند، سیزده یا برخی مطالبات دموکراتیک حتی به صورت محدود همسوی کنند. مبنی تا کنونی حکومت بعید بنظر آید آنان را تحمل کند.

حما سجه هر دو طرف بر مواضع خود پای میسازد این نشان آتست که با منتقدان دست کشیدن از برخی مواضع و مطالبات خود را به مصالحت خویش دیده اند وین تعادل فراد حکومت در مسیر تغییر افتاده است. در همین روز است از دیدار گروهی - خدمه ای هیچ یک از این دو سجه بدست آمد.

جمهوری اسلامی میزان بدهی های خود را پنهان می کند

روزنامه جهان اسلام میزان بدهی را ۴۰ میلیارد دلار اعلام می کند. روزنامه سلام طی یک یادداشت اقتصادی با ذکر ارقام مربوط به صادرات و واردات سالهای ۶۸ تا ۷۱. حداقل مبلغ بدهی را ۲۸/۵ میلیارد دلار محاسبه کرده است.

مقامات اقتصادی رژیم دلیل موجهی برای این بدهی های کلان به دست نمی دهند. به گفته رئیس کل بانک مرکزی: "نوسان های اقتصادی جهان، تغییر قیمت نفت و عدم پرداخت اعتبارات و سرمایه های بلند مدت از سوی بازارها و مؤسسه های بین المللی به ایران، سبب شد پرداخت های ارزی کشور به مرقع پرداخت نشود." مطابق این اظهارات سیاست های دیگران بوده است که جمهوری اسلامی را با مشکل بدهی ها مواجه کرده و خود دولت جمهوری اسلامی نقش و تقصیری در این میان نداشته است! اما واقعیت این است که

در حالی که دولت جمهوری اسلامی اصرار دارد بحران ارزی خود را کم اهمیت جلوه دهد، همه نشانه ها حاکی از آن است که این بحران هر چه بیشتر دامنه ای غیر قابل کنترل به خود می گیرد. میزان کلان بدهی های به تعویق افتاده جمهوری اسلامی آشکارترین جلوه این بحران است. محمد حسین عادل رئیس کل بانک مرکزی، در مهرماه گذشته اعلام کرد پرداخت های به تأخیر افتاده ایران از ده میلیارد دلار بیشتر نیست و ایران در حال پرداخت آنهاست. اما منابع غیر دولتی از جمله منابع خارجی میزان بدهی های پرداخت نشده دولت را بسیار بیش از این می دانند. به گزارش رادیو بی بی سی. بدهی های معوقه ایران به ۳۰ میلیارد دلار بالغ می شود. برخی منابع داخلی میزان را از این نیز بیشتر می گویند. حجت الاسلام محتشمی وزیر سابق کشور در مصاحبه با

جسد یک قربانی دیگر تروریسم کشف شد

با کشف جسد سرگرد عباس قلی زاده توسط مأموران امنیتی ترکیه و دستگیری یک جوان ۲۴ ساله ترک، مسلم شده است که این تروریست کار جمهوری اسلامی بوده است.

این واقعه بر اساس اعترافات اولیه جوان مذکور مسجل شده است. سرگرد قلی زاده حدود ۹ ماه پیش ربوده شد. وی توسط تروریست های دولتی ارسالی تهران به خانه امنی منتقل شده و مدتی طولانی میسر شد که آنان قرار گرفت "تروریست های ارسالی تهران پس از قتل سرگرد عباس قلی زاده، جسد وی را به جوان ترک مذکور و دو تن دیگر می سپارند تا آثار جرم خود را پاک کنند.

با ترور سرگرد عباس قلی زده عضو سازمان حقوق بشر و آزادی های اساسی برای ایران مورد دیگری به موارد ترور دولت اسلامی حاکم بر ایران افزوده شد.

نرخ تعرفه های کالا های وارداتی به شدت افزایش یافت.

سرمام آور افزایش خواهد یافت. وزارت بازرگانی در توضیح این تصمیم دولت آن را اقدامی برای دفاع از تولید داخلی و تشویق سرمایه گذاریها برای صادرات اعلام کرده است. اما در شرایطی که تولید داخلی در شرایطی که درهای کاملاً باز چند سال گذشته تقریباً فلج شده است، این اقدام دولت اگر هم واقعا باعث دفاع از تولید داخلی صورت گرفته باشد، نوبت درازی بعد از مرگ سهراب خواهد بود.

تصمیم به افزایش تعرفه های گمرکی کالا های وارداتی و بابه عبارت دیگر "بستن درها" اقدامی است از روی ناچاری در شرایطی که امکانات ارزی و مالی دولت به آخر رسیده است و مقابله با اوضاع خراب اقتصادی از هر زمان دشوارتر شده است.

قیمت داروها تا چند برابر افزایش می یابد

گذشته کاهش نشان می دهد. ایران در سالهای اخیر با اختصاص حدود ۴/۹ درصد از بودجه به سوسپند بعد از کشورهای آمریکا، سریلانکا، ونزوئلا و اندونزی دارای پایین ترین نسبت سوسپند به بودجه در سطح جهان میباشد. قابل ذکر است که برای مثال هند و پاکستان ۱۷/۵ درصد، سوئد ۱۱/۱ درصد، برزیل ۱۰/۹۵ درصد، کره جنوبی ۶/۷ درصد و آمریکا تنها ۲ درصد بودجه خود را به سوسپند اختصاص می دهند. با حذف بخش عمده سوسپند ها دوران انتظار نخواهد بود اگر در پایان برنامه پنج ساله دوم ایران بودجه آمریکا در این زمینه را بشکند و فاصله فزونی و غنا بمراتب بیشتر شود. بنا بر تصمیمات سازمان برنامه بودجه همچنین قرار است که در طول برنامه پنجساله دوم به علت محدودیت اعتبار، پروژه احداث بیمارستانهای جدید دولتی متوقف شود و تخت های بیمارستانی جدیدی نیز برای بخش دولتی افزایش نیابند. طرح خود گردانی بیمارستانها و فروش بیمارستانهای دولتی به بخش خصوصی نیز از دیگر رئوس در نظر گرفته شده در برنامه پنجساله دوم است. این مصوبات همه قرار است در کشوری اجرا شود

در حاشیه رویدادها

پس مشکل، مشکل "اصناف" بود!

در ماه های اخیر موضوع اساسی تبلیغات نمایندگان وابسته به جناح رسالت در مجلس با خارج از آن در مخالفت با برخی وزرای کابینه قبلی و جنبه هایی از برنامه تعدیل اقتصادی رفسنجانی همواره این بود که این سیاست های دولت باعث تشدید تورم، نابامانی اوضاع و فشار بیش از حد معیشتی بر گرده توده های مردم شده است. تلاش این بود که رای عدم اعتماد نمایندگان به نوریخس، وزیر اقتصاد سابق رفسنجانی نیز چنین وانمود شود.

در اینکه سیاست های اقتصادی دولت در چهار چوب برنامه تعدیل اقتصادی - انسان که به اجرا درآمد، جز سقوط بیشتر اقتصادی و فقر گسترده نایجی بیار نیاید، تردیدی نیست. لیکن انگیزه نمایندگان جناح غالب حکومت در مجلس یا خارج به هیچ عنوان همدردی با مردم نبود. بازار که در کنار روحانیت اکنون اهرم های اصلی قدرت را در اختیار دارد، با جوانی از سیاست های دولت بویژه آنجا که به

معنای تازه "خدمت به بشریت"

چندی پیش حوزه علمیه قم اعلام کرد که به آخوندها درجه دکترامیدهد. اما تا قم دست بکار شده و اقدامات خود را آغاز نماید، رفسنجانی صاحب درجه دکتر شد. وی هفته گذشته در جریان دیدارش از جمهوری قرقیزستان به این افتخار نائل آمد. دانشگاه ملی قرقیزستان این دکتر را "به پاس خدمت به بشریت و جهان اسلام" به آقای رفسنجانی اعطا کرده است.

معنی "خدمت به اسلام" روشن است و هیچکس نمی تواند برای کسی چون رفسنجانی در این باره اما و اگری در بیاورد ولیکن ما نفهمیدیم معنی این "خدمت به بشریت" چیست؟ آیا منظور همان مصائب بی شمار جامعه ایران و صدها هزار

مشکل یکی بود، دو تا شد

اگر آخوندها بتوانند بخشی از خشم فرو خورده خود را از "سرو وضع" خانم چیلر، در مناسبات نه دیده نهند، اما کسی تردید نداشت آخوندها از این انتخاب خشمگین و ناراحتند. نه به این دلیل که این خانم چنین و چنان فکرمی کند، بلکه قبل از هر چیز به این دلیل که او یک خانم است و سرو وضعی بغایت "غیر اسلامی" دارد!

حال با بازگشت مجدد خانم بی نظیر بوتو به نخست وزیری پاکستان، این مشکل دو تا شد. دو کشور مسلمان در همسایگی ایران است، اما بازمادارانیکه هیچ سنخیتی با آنچه آخوندها بر آن باورند، ندارند. تازه مسئله تنها ابعاد "اسلامی" ندارد. این دو کشور با نخست وزیری این دو بانوی یک دمکراسی هنوز نه چندان پایدار اما امید بخشی را تجربه میکنند که آشکارا در ویرانی آن استبداد قرون وسطایی است که آخوندها بر ایران ما تحمیل کرده اند. معلوم نیست آخوندها تا کی خواهند توانست در برابر نسیمی که در همسایگی شرق و غرب ایران سوحاشا شمال ایران در حال وزیدن است، سد ایجاد نمایند و مانع سرایت آن به میهن تشنه آزادی ما شوند.

کاروان را به دست و آستان و آستانه یاران، سخن تو رسیده گنید

فرزند رفسنجانی برای خرید اسلحه از اسرائیل به کانادا رفت

یک روزنامه اسرائیلی اخیراً افشای ساخت که فرزند رفسنجانی به همراه سه تن از مقامات ستاد نیروهای مسلح و وزارت دفاع جمهوری اسلامی برای خرید دو میلیارد دلار اسلحه شامل موشک، تانک و هواپیمای جنگی از اسرائیل عازم شهر تورنتو در کانادا شده است؟ دیدار آنها و فروشندگان اسلحه در پی تماس های پنهانی حکومت ایران و واسطه های فروش اسلحه اسرائیل در اروپا صورت پذیرفت. از فرانسوی رفسنجانی در این دیدار گفته است: «ما مخالف شما هستیم و نمی‌بایست از شما اسلحه می‌خریدیم ولی چه کنیم که درهای دنیا را به روی ما بسته اند. ظاهراً در خبر این معامله پنهانی به خارج و رسوا شدن هر دو طرف معامله مانع بسته شدن قرارداد گردیده است.»

دستگیری سه ایرانی در ترکیه

پلیس استانبول سه نفر ایرانی را هنگامی که مشغول خرید ۲/۵ کیلوگرم اورانیوم غنی شده از ۵ نفر ترک بودند بازداشت کرد. اورانیوم غنی شده قرار بوده از قرار گرمی ۴۰ هزار دلار (جمعاً ۱۰۰ میلیون دلار) در اختیار خریداران ایرانی که به گفته پلیس ترکیه از ماموران دستگاه امنیتی ایران هستند، قرار گیرد. مطبوعات ترکیه نوشتند که این مقدار اورانیوم غنی شده از نیروگاه های هسته ای روسیه به سرقت رفته و از راه های غیر مجاز وارد ترکیه شده است.

هر چند حکومت اسلامی وابستگی افراد دستگیر شده به خود را رد کرده است، اما بسیار بعید است که این افراد بدون اطلاع و وابستگی به ارگان های مخفی جمهوری اسلامی در صدد چنین معامله ای بوده اند. جمهوری اسلامی در راستای تهیه سلاح های هسته ای از مدت ها پیش در تلاش بوده است اورانیوم غنی شده لازم را از طریق قاچاق بدست آورد. هرج و مرج موجود در کشورهای اتحاد شوروی سابق امکان مناسبی برای جمهوری اسلامی فراهم آورده است که بتواند مواد لازم برای ساختن بمب اتمی از نیروگاه های هسته ای را به طور قاچاق تهیه کند.

از میان رویدادها

نامه سرگشاده نهضت آزادی به وزیر اطلاعات

وزارت اطلاعات:

۲۰ نفر از مجاهدین دستگیر شدند

نهضت آزادی ایران در نامه ای به عنوان علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت رژیم اعلام کرد که عوامل دولتی اعضای نهضت را مورد آزار و حمله مکرر قرار می دهند. در نامه آمده است. انواع آزارها عملاً ما را از تمامی امکانات مربوط به انجام فعالیت های قانونی خود محروم کرده است. ما فقط میتوانیم گاهگاهی برای جلسات کوتاه دیداری یا یکدیگر داشته باشیم. در قسمت دیگری از نامه میخوانیم. «هر روز اعضای ما بازداشت و مورد بازجویی و ارباب قرار میگیرند تا او را به خدمت به عنوان خیر رسان شوند و یا اینکه دست از فعالیت به نفع نهضت آزادی ایران بردارند. نامه خاطر نشان می کند که علاوه بر اعضای نهضت کسانی که با نهضت

آزادی ایران همدردی نشان می دهند نیز از آزار و حمله مکرر عوامل دولتی حکومت بی نصیب نمی مانند. نهضت آزادی از سال ۱۳۶۶ همواره خواستار اجازه رسمی برای ادامه فعالیت های سیاسی خود بوده است. نهضت برای فعالیت های رسمی از سوی کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب رد شده است که متعاقب آن نهضت آزادی به دادگاه شکایت کرد. در نامه اخیر نهضت آزادی با اشاره به موضوع یاد شده آمده است: «ما ضمن اینکه به انتظار تصمیم دادگاه هستیم کلیه حقوق خود را برای ادامه فعالیت های خود که کاملاً مطابق با قانون اساسی است محفوظ می داریم»

وزارت اطلاعات و امنیت رژیم اعلام کرد که ۲۰ تن از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق در استان های خوزستان، ایلام، تهران و کرمان شناسایی و دستگیر شدند. در اطلاعیه روابط عمومی وزارت اطلاعات علت دستگیری این عده را حمل و پخش مواد مخدر اعلام کرده اند. وزارت اطلاعات مدعی شده که از دستگیر شدن ۱۸ قبضه اسلحه، ۸ قبضه بمب، ۴۰۰ نسخه نشریه، تراکت و بروشور تبلیغاتی و همچنین ۳۸۰ کیلو تریاک بدست آمده است. در هفته های گذشته عملیات تروویستی علیه مجاهدین در خاک عراق نیز افزایش

یافته است. ماموران رژیم علاوه بر به آرپی جی بستن مقرر مجاهدین در بغداد اخیراً یکی از اعضای مجاهدین بنام مجید رضا ابراهیمی را هنگام خرید در مرکز شهر بغداد با گلوله کشتند و دوست وی را مجروح کردند. دولت ترکیه نیز اخیراً در اثر توافقی های امنیتی تازه اش با رژیم ایران فعالیت مجاهدین در این کشور را بشدت محدود کرده است.

سازمان مجاهدین خلق ادعای وزارت اطلاعات در مورد وابستگی افراد دستگیر شده به این سازمان را تکذیب کرده است.

اعتراض سازمان عفو بین الملل به اعدام هادرا ایران

سازمان عفو بین الملل نسبت به صدور حکم اعدام برای متهمین به قاچاق مواد مخدر در ایران اعتراض کرد. سخنگوی این سازمان گفت: قوانین ایران برای مجازات بسیاری از جرایم حکم اعدام در نظر گرفته است که این امر با دیدگاه های سازمان عفو بین الملل که هر گونه حکم اعدام را نفی میکند به طور کامل مغایرت دارد.

رژیم جمهوری اسلامی در سال های اخیر عده زیادی را به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام کرده است. اکثر اعدام شدگان فروشندگان جزء بوده اند که با برای گذران زندگی ویا تهیه پول ماده مخدر مورد نیاز خود به فروش مواد مخدر میادرت کرده بودند. در میان اعدام شدگان تعدادی زندانی سیاسی هم یافت می شوند که هرگز در زند گیشان با مواد مخدر سرو کار نداشتند. اما رژیم آنها را نیز همراه با متهمین به پخش و فروش مواد مخدر و ظاهراً به دلیل جنین جرمی اعدام میکند. در همین روزهای اخیر مقامات امنیتی رژیم پس از دستگیری گروهی از اعضا سازمان مجاهدین ادعا کرده اند که در خانه آنها در کنار اعلامیه و شب نامه ها مواد مخدر نیز یافت شده است.

قیمت دلار در بازار آزاد از قیمت بانک مرکزی فاصله گرفت

قیمت دلار در بازار آزاد در هفته گذشته افزایش یافت و به مقدار ۴۰ ریال بیشتر از نرخ فروش بانک مرکزی مورد معامله قرار گرفت. پس از عرضه دلار توسط بانک مرکزی در ماه های اخیر، نرخ ارز در بازار آزاد تا حدی تثبیت و به قیمت فروش بانک که به شدت افزایش یافته بود نزدیک شد. علت بالا رفتن مجدد قیمت ارز در بازار آزاد محدودیت ذخیره ارزی کشور و آزاد کردن واردات بعضی از اقلام کالا و همچنین عدم برداشت بدی های خارجی از طرفی و خرید مقدار زیادی ارز از بانک ها توسط صرافان عمده در ماه های اخیر از طرف دیگر اعلام شده است. در حال حاضر تفاوت قیمت عمده تادر مورد دلار مشهود است و اختلاف قیمت ارزهای دیگر در بازار آزاد نسبت به بانک ها چندان زیاد نیست.

پرسی گاز و ایران گاز به بخش خصوصی واگذار می شود

در ادامه سیاست خصوصی کردن شرکت های دولتی، دوشرکت بزرگ پرسی گاز و ایران گاز قرار است به بخش خصوصی واگذار شوند. این دوشرکت دولتی به همراه شرکت بوتان گاز ۷۵ درصد توزیع گاز مایع کشور را به عهده دارند و توزیع ۲۵ درصد بقیه توسط ۲۴ شرکت کوچکتر صورت می پذیرد. به گفته یکی از مسئولان شرکت ملی گاز ایران قرار است دو شرکت نامبرده به شکل سهام به مسئولان و کارگران ایران گاز و پرسی گاز واگذار شود. با اینکه ۱۵۴ شهر کشور در حال حاضر از گاز لوله کشی استفاده می کنند هنوز بیش از هشت میلیون مشترک در سطح کشور از گاز مایع استفاده می کنند.



ماه گذشته سیل باره یگر بخشهای وسیعی از استانهای گیلان و مازندران را به زیر آب فروبرد. معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور خسارات سیل در استان گیلان را ۱۲۴ میلیارد ریال اعلام کرد. به گفته این مقام ابعاد خسارات در استان مازندران نیز بسیار گسترده بوده و به همین علت برآورد میزان دقیق آن فعلاً امکان پذیر نیست.

رفسنجانی با ملک فهد دیدار خواهد کرد

مسلمانان جهان می دانند و هر یک به نوعی داعیه رهبری جهان اسلام را دارند. جمهوری اسلامی با اصرار به برگزاری مراسم «برائت از مشرکین» در مراسم حج و رژیم عربستان سعودی با به خون کشیدن این مراسم در سال پر حداث تشنجات موجود در میان دو کشور افزودند. پس از مرگ خمینی روابط دو کشور در جهت عادی شدن سیر کرده است. روابط دیپلماتیک برقرار شده و کاروان های حج پس از چند سال وقفه مجدداً راه افتادند. لزوم هماهنگی در اجلاس های اوبک به منظور کنترل قیمت نفت نیز دو کشور را به هم نزدیک می کند. با این وجود مواضع عربستان در قبال جزایر سه گانه خلیج فارس، حمایت دو کشور از گروه های متفاوت متخاصم در افغانستان و مهم تر از همه رقابت دو کشور در کسب رهبری جهان اسلام، تاکنون مانع از آن شده است که سردی روابط دو کشور از بین برود.

از دست دادن هزار متخصص در عرض سه سال

اخیراً هیات وزیران به مدیریت هما اختیارات وسیعی داده است که بتواند مستقل از مقررات و قوانین اداری و استخدامی کشور، حقوق و مزایای کارکنان خود را افزایش دهد. در ماه های اخیر مکرراً در مطبوعات آگهی های احضار کارکنان غایب هما، که به محکمه اداری فراخوانده می شوند، به چشم می خورد. علت اینست که متخصصان هما، با هدف دریافت حقوق هایی فوق العاده بیشتر، حتا بدون اعلام استعفا، به استخدام سایر شرکت های هواپیمایی رقیب در می آیند. شرکت هما از نظر نسبت سن کارکنان به شمار هواپیماها در جهان مقام اول را داراست. یعنی در نرم عادی با سووم نیروی انسانی مواجه است. مزایای بیشتر، با کمک باری باری و فساد عده زیادی بیکار را به جمع کارکنان هما اضافه کرده در حالیکه مقررات غیر عقلایی و غیر نجاتی حاکم بر این موسسه متخصصان آن را همچنان فراری می دهد.

از سوی دیگر همچنین تصمیم گرفته اند ۴۰ درصد تخفیف بلیطهای هما را هم لغو کنند. به شرکت های هواپیمایی خارجی، که بلند پایه اصلی کارکنان هما هستند، نیز اطلاع داده شده است که از این پس بانک مرکزی فروش ریالی آنها را تنها با نرخ آزاد ارز تبدیل خواهد کرد. آنها تاکنون حدود ۴۰ درصد ارز انتراز می خریدند. تاریخ قطعی اجرای این تصمیم رسماً اعلام نشده است.

این تمهیدات به خاطر تحکیم موقعیت ها، بویژه در ارتباط با رقبای خارجی اتخاذ شده است. اما، به اعتقاد صاحب نظران مشکلات هما بویژه محدودیت های اعمال شده بر آن از جانب حکومت اسلامی، چنان عده ای است که به نظر نمی رسد هما قادر گردد در رقابت با بازار فشرده حمل و نقل هوایی موقعیت خود را بازمی بیشتر از دست ندهد.

مناسبات رژیم با عربستان سعودی پس از روی کار آمدن رژیم کنونی در ایران همواره بر تنش بوده است. هر دو رژیم خود را حامی

همداستانی کیهان لندن با جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان ایران

هفته نامه «کیهان» چاپ لندن در شماره ۴۷۵ خود (۸ مهرماه ۱۳۷۲) با لحنی تند و گزنده حزب دمکرات کردستان ایران را مورد حمله قرار داده و این حزب را به تجزیه طلبی متهم کرده است. کیهان با صراحتی کم نظیر حقوق ملی مردم کردستان را مورد انکار قرار داده و اعلام کرده است که پارزیم جمهوری اسلامی علیه حزب دمکرات کردستان ایران «همداستان می‌شود». کیهان لندن در سرمقاله خود زیر عنوان «کردستان چشماش را بگشاید!» نوشته است: «برای آنکه همه ابیماها از همان لحظه نخست از میان برخیزد، به صراحت می‌گویم که شعار خود مختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران برده‌ای است که بریت جدا سرانه افکنده شده است و ضمن نفی حقوق ملی مردم کردستان داده است: برای ما کردستان بخشی از ایران است مانند همه بخشهای دیگر آن و اگر هر جنبشی، به هر منظوری، آنگاه جدا کردن آن را از ایران داشته باشد، آماده‌ایم با همه کس، رژیم جمهوری اسلامی که سهل است، با ایلین نیز برای نگاهداشتن آن در چهار چوب تمامیت ارضی ایران همداستان شویم».

همداستانی با ایلین، آنچنانکه در سرمقاله کیهان چاپ لندن بدان اشاره رفته، نه مشروط به آنکه است و نه چیزی است مربوط به آینده، بلکه امری واقع شده است. هم آن زمان که اینان در قدرت بودند از کشتار و جنایت نسبت به کردهایی که حقوق خود را میطلبیدند، دریغ نکردند، و هم امروز که دستی در قدرت ندارند در شمار پیگیریترین نیروهای خارج از حکومت در نفی حقوق ملی کردها و پراکندن نفاق و دشمنی میان بخشهای مختلف مردم ایران هستند. سکوت در برابر سرکوب کردها توسط جمهوری اسلامی تنها یک نمونه این همداستانی است. این همداستانی از آن دیدگاهی ناشی می‌شود که رژیم اسلامی آنرا به صورت هیچ تفاوتی میان کردستان، اصفهان و یزد وجود ندارد بیان می‌کند و کیهان لندن به این صورت که «کردستان نیز بخشی از ایران است همانند همه بخشهای دیگر آن» چنین دیدگاهی آنجا که به مطالبات قومی و ملی و مقاومت ناشی از آن بر می‌خورد، ناگزیر از سرکوب و کشتار است. روشن ترین مصداق این دیدگاه را کیهان لندن پیش از این از زبان «دکتر باهری» یکی از مقامات رژیم پیشین و رئیس سابق حزب رستاخیز گفته است. این آقای باهری با این اتهام که حزب دمکرات کردستان ایران، یک حزب تجزیه طلب است،

قتل د کتر شرفکندی رهبر حزب دمکرات کردستان توسط تروریستهای رژیم اسلامی را امری مباح دانسته بود. تنها اشکال کار رژیم اسلامی از نظر آقای باهری این بوده که اینکار در خاک آلمان صورت گرفته و این نادیده گرفتن حق خاکمیت دولت آلمان بوده است!

این واقعیت است که کردستان ایران بخشی از ایران است. لیکن این واقعیت به همان اندازه بدیهی و مسلم است که واقعیت وجود مسئله ملی در کشور ما، بویژه در شرایط امروز منطقه و جهان. نویسندگان کیهان لندن یا قادر به دیدن تحولات عمیق ژئوپلیتیکی در منطقه پیرامون ایران و تاثیرات آن بر مسائل ملی و قومی در کشور ما نیستند و یا اگر به آن توجه دارند، در نتیجه گیری از آن بر همان راه حل «نا درست سابق» تکیه دارند. اینان باید مطمئن باشند که با همان راه حل‌های سابق پاسخی جز خونریزی در بهترین حالت و تجزیه ایران در بدترین حالت، نخواهند گرفت. براساسی چه تضمینی هست که تجربه منطقه پرواز ممنوع در مورد ایران نیز تکرار نشود؟

برای اینکه کردستان ایران، بخشی از ایران بماند و برای اینکه ایران یکپارچه و واحد بماند، باید واقعیت مطالبات قومی و واقعیت مسئله ملی را پذیرفت و در جهت رفع آن گام برداشت. در شرایط امروز جهان و منطقه ما تنها راه تضمین بقای ایران و حراست از تمامیت کشور در مقابل مخاطرات احتمالی احساس مشترک نعلق به سرزمین واحد از سوی آحاد مختلف مردم ایران است. سیاست کینه توزانه‌ای که کیهان لندن در برابر مطالبات ملی و حزب دمکرات کردستان ایران در پیش گرفته است درست تیشه به ریشه این احساس و امکان همزیستی برابر حقوق همه اقوام ایرانی در سرزمینی واحد و مشترک میزند، نویسندگان کیهان لندن به جای اندرزدادن به دیگران، قبل از همه باید چشمهای خود را بگشایند. زمان کار ساز بودن «ضرب وزور» به سر آمده موضع کیهان لندن، هر چند در ظاهر مبین پرستانه عرضه می‌شود، از عوامل عمده و غیر قابل چشم پوشی رشد ناسیونالیسم افراطی و نیر و گرفتن افکار جدایی طلبانه در بین آثانی است که حقوقشان نفی می‌شود. اندیشه‌ای که کیهان لندن می‌پراکند، همزیستی برابر حقوق مردم کرد، ترک، فارس، ترکمن، بلوچ و عرب را در سرزمین واحد و مشترک غیر ممکن میکند.

ناکامی تیم ملی فوتبال ایران



تیم ملی فوتبال ایران که با امیدواری بسیار راهی قطر محل برگزاری دوره نهایی مسابقات فوتبال انتخابی قاره آسیا جهت شرکت در جام جهانی ۱۹۹۴ شده بود، باناکامی‌های غیره منتظره‌ای مواجه شد.

تیم ملی ایران در نخستین مسابقه خود با نتیجه سنگین ۳ بر صفر مقابل تیم ملی کره جنوبی شکست خورد. تیم ملی ایران پس از دریافت نخستین گل در دقیقه ۱۸ چهره هجومی به خود گرفت و حملات بی دریبی را در دروازه کره انجام داد. اما در حالی که بازیکنان ایران در تلاش برای زدن گل مساوی بودند، در دقیقه ۴۸ و ۵۴ دو گل دیگر خوردند. این شکست یکی از سنگین ترین شکستهای تیم ایران در چند ساله اخیر بود.

تیم ملی فوتبال ایران با پیروزی ۲ بر ۱ تیم ملی ژاپن شکست نخست را ناکامی در دروازه ایران کرد. دروازه ژاپن که بیش از همه تیمها در مورد قدرت آن تبلیغ شده بود، در دقیقه ۵۴ و ۵۸ توسط رضا حسن زاده و علی دایی به روی بازیکنان ما گشوده شد. گل ژاپن در دقیقه ۸۸ بازی به ثمر رسید. شکست ناباورانه در برابر عراق، در سومین مسابقه، امیدهای ایران را نقش بر آب کرد. گل اول بازی در دقیقه ۲۰ وارد دروازه ایران شد. دقیقه بعد علی دایی نتیجه را ۱ بر ۱ کرد. اما ایران در دقیقه ۳۷ گل دوم را خورد و در دقیقه ۳۹ نیز یک

تیم ملی فوتبال ایران در ۳ مسابقه اول خود تنها یک پیروزی به دست آورد

عراق اردوی بازیکنان ایران را در اندوه فروبرد. به گزارشهای رسیده از ایران، ناکامی تیم ملی فوتبال، میلیونها ورزش دوست در ایران را نیز در غم و اندوه فروبرد.

نتایج مسابقات تا پایان روز یکشنبه به قرار زیر بوده است:

عراق ۲ - کره شمالی ۳

دفاع تیم ملی ما توسط داور خارج شد. در نیمه دوم یک بازیکن عراق نیز از بازی اخراج شد. در نیمه دوم، بویژه در ۱۵ دقیقه آخر، ایران یکپارچه دست به حمله برد و دروازه عراق زد، اما دروازه بان پر قدرت عراق بازیکنان ایران را ناکام گذارد.

با این شکست امکان صعود ایران تقریباً منتفی شد. شکست از

تشدید فعالیت رژیم علیه اپوزیسیون

ادامه از صفحه ۱
رژیم اسلامی خواهد گذاشت. این اسناد حاوی اطلاعات زیادی درباره سازمانهای سیاسی ایرانی است که آلمان شرقی را مرکز فعالیت خود قرار داده بودند.

جمهوری اسلامی این سیاست را در رابطه با ترکیه هم دنبال میکند. مسئولین حکومتی قطع کمک به کردهای ترکیه را منوط به منع فعالیت نیروهای اپوزیسیون ایرانی در ترکیه کرده اند. در ملاقات اخیر وزرای کشور ایران و ترکیه توافق هایی در این زمینه صورت گرفت و وزیر کشور ترکیه بعد از برگشت از مسافرت به ایران، اعلام داشت که جلوفعالیت نیروهای مخالف جمهوری اسلامی در ترکیه را خواهد گرفت.

یکی از اهداف رژیم در تلاشش برای بهبود مناسبات با عراق نیز وادار کردن رژیم صدام به قطع حمایت از نیروهای مخالف مستقر در این کشور است. اخیراً معاون امور بین الملل وزارت امور خارجه برای بهبود مناسبات بین دو کشور به بغداد سفر کرد. در عین حال نیروهای عراقی که طرفدار جمهوری اسلامی هستند، در هفته های اخیر به مقرهای مجاهدین خلق حمله کرده و عده ای از آنها را به قتل رساندند.

اقدامات رژیم در این عرصه تنها به سازمانهای مستقر در خارج از کشور محدود نمی شود. خبرهای رسیده از داخل کشور حاکی از آنست که وزارت اطلاعات عده ای از زندانیان سیاسی سابق را فراخوانده است. علاوه فشار به اپوزیسیون درون نظام و ارگانهای مطبوعاتی آن افزایش یافته است. بسیاری از افراد ناراضی وابسته به رژیم نیز مورد پیگرد قرار دارند.

گردانندگان حکومت در کنار اقدامات بالا به جنگ تبلیغاتی و روانی وسیعی نیز روی آورده اند. نمونه چنین جنگ روانی را میتوان در مصاحبه فلاحیان مشاهده کرد. وی در مورد نیروهای اپوزیسیون می گوید: «هم اکنون عمق بحران در طیف های ضد انقلاب نمایان شده که طیف های ناهمگون، مجموعه هایی از هم پاشیده و فاقد هر گونه هویت و بی آینده هستند و بطور کلی یک خلا تمام عیار گریبانگیرشان شده است». معلوم نیست اگر اپوزیسیون به چنین وضع فلاکتباری دچار شده چرا رژیم اسلامی به ترور رهبران آنها دست میزند، و تلاش میکند فعالیت آنها را محدود سازد و از همه مهمتر مانع فعالیت آزادانه آنها در کشور می شود.

واقعیت آن است که علیرغم همه دروغگویی های رژیم مبتنی بر وجود ثبات و آرامش در ایران و تاجیژ نشان دادن نقش نیروهای اپوزیسیون، رژیم از بروز ناآرامیهای گسترده و تقویت نقش نیروهای سیاسی مخالف بیمناک است و بدلیل عدم توانایی در دفع دلایل و انگیزه های اوضاع بحرانی جامعه راه نجات خود را در تشدید کنترل و سرکوب جستجو می کند. اما چنین راه حلی قادر نخواهد بود ریشه های ناراضیاتی از وضع کنونی کشور و مبارزه برای رهایی ایران از چنگال استبداد، فقر و سرکستگی را از میان بردارد.

مجلسیان شیپور را از سرگشادش می دمند

تلاش جمهوری اسلامی در بازداشتن جوانان از فعالیتهای فرهنگی متناسب با روحیات و خواسته های خود، اختصاص برنامه های تلویزیونی به فیلم ها و موعظه های خشک و خرافی و خودی آورد، نبود امکانات لازم و ایجاد محدودیت ها برای بهره گیری سازنده مردم از اوقات فراغت خویش و... زمینه ساز روح مخفی انواع و اقسام فیلم های ویدئویی در جامعه شده است. دست اندرکاران رژیم که معمولاً معلول را به جای علت میگیرند و شیپور را پیوسته از سرگشادش می دمنند به جای تلاش در جهت زدودن زمینه ها و ریشه ها و تجدید نظر در سیاست های فرهنگ

سنتی و جعل پرورانه خود، نوک تیز حمله را متوجه تولیدکنندگان و پخش کنندگان این گونه نوارها کرده اند. در این رابطه ۱۲۸ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تسلیم یک طرح یک فوریتی به تلاش جمهوری اسلامی در بازداشتن جوانان از فعالیتهای فرهنگی متناسب با روحیات و خواسته های خود، اختصاص برنامه های تلویزیونی به فیلم ها و موعظه های خشک و خرافی و خودی آورد، نبود امکانات لازم و ایجاد محدودیت ها برای بهره گیری سازنده مردم از اوقات فراغت خویش و... زمینه ساز روح مخفی انواع و اقسام فیلم های ویدئویی در جامعه شده است. دست اندرکاران رژیم که معمولاً معلول را به جای علت میگیرند و شیپور را پیوسته از سرگشادش می دمنند به جای تلاش در جهت زدودن زمینه ها و ریشه ها و تجدید نظر در سیاست های فرهنگ

بازگشت آوارگان افغانی متوقف می شود

بذلیل کمبود بودجه سازمان ملل متحد، کمیسرهای عالی پناهندگان ممکن است برنامه بازگرداندن پناهندگان افغانی مقیم ایران را متوقف کنند. سبیلرانا فوا سخنگوی کمیسر با ضمن اعلام این خبر گفت: این سازمان تنها ۱۵۰ هزار دلار برای اجرای برنامه به بازگرداندن پناهندگان در اختیار دارد که این بودجه ممکن است ظرف چند روز به پایان برسد. بر اساس طرحی که با حمایت این سازمان از چند سال پیش به اجراء رانده تاکنون ۱/۶

طراح مجله فاراد...

ادامه از صفحه ۲
خوبی ها، که نه در دادگاه ویژه روحانیت و نه در دادگاه مطبوعاتی، بلکه در دادسرای انقلاب بررسی می شود، مراحل تحقیق و بازجویی را طی می کند.

چادر در برخی مدارس مازندران اجباری شد

به دستور مدیر کل آموزش و پرورش استان مازندران استفاده از چادر در برخی از مدارس شهرستان ساری و همچنین شهرهای بابل، سوادکوه، تنکابن و بابلسر الزامی شد. یکی از مسئولان آموزش و پرورش ساری در دفاع از این عمل گفت: همانگونه که می دانیم چادر لباس رسمی ایرانیان محسوب می شود. همچنانکه هر کشوری برای خود لباس رسمی دارد. طبرسی امام جمعه ساری هم در تائید این حرکت اظهار داشت: به همان دلیلی که رژیم فاسد پهلوی به زور و اجبار چادر را از سر زنان مدن ایران برداشت ما باید از حجاب و پوشش زنانمان

تعطیل دو کارخانه دیگر

کارخانه جرم و پوست استان لرستان با ظرفیت ۳۵۰ جلد پوست در روز و با داشتن ۲۸۵ کارگر و کارمند در دو نوبت کاری و دو خط تولید تعطیل شد. علت این امر مشکلات مالی و نبودن نقدینگی برای رفع آلودگی محیط زیست و آب رودخانه کشکان خرم آباد ذکر شده است. این کارخانه که از قدیمی ترین و بزرگ ترین ناسیسات صنعتی استان لرستان بود، در اثر بی مبالایی مسئولان این استان، در سالهای اخیر منبع بزرگ آلودگی محیط زیست در منطقه بوده است. فاضلاب این کارخانه که آلوده به

نگاهی به وضعیت آموزش و پرورش در ایران

پژمان

با فرا رسیدن مهرماه، سال تحصیلی جدید رسماً آغاز گردید و بیش از ۱۸ میلیون دانش آموز در سراسر کشور راهی مدارس شدند. شروع هر سال برای بخش عظیمی از دانش آموزان با مشکلات و بیثباتی اقتصادی و اجتماعی همراه است. مشکلاتی که ترک تحصیل و افت شدید تحصیلی را پدید آورده و کیفیت آموزش را به شدت متزلزل کرده است. بدلیل این مشکلات مطابق آمار دولتی در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ بیش از دو میلیون کودک در سطح کشور بیسواد باقی می ماند و با طبق همین آمار، از هر ۱۰۰ دانش آموزی که در کلاس اول مدرسه ثبت نام می کنند، تنها ۱۹ نفر به کلاس چهارم دبیرستان می رسند. آموزش و پرورش در کشور ما از جنبه های مختلف درگیر بحران عمیق و اسفبار است و امکانات ناچیز اختصاص یافته به آن، به هیچ وجه قادر نیست حتی گوشه ای از نیازهای جمعیت دانش آموزی را که با رشد ۶/۶۵ درصدی، در سال ۱۳۵۸ به ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید، برآورده سازد.

تقسیم ناعادلانه امکانات آموزشی

اغلب صاحب نظران بر این باورند که اولین قدم در جهت توسعه اقتصادی، آموزش نیروی انسانی است، زیرا برای تحقق توسعه اقتصادی به انسان هایی با ذهن و نگرش معقول احتیاج است. اما تنها وجود انسان هایی که از جهت فرهنگی متحول گشته اند باعث توسعه اقتصادی کشور نمی شود بلکه لازم است که این انسان های نوین در چهار چوب برنامه های آموزشی مناسب، از تخصص های تازه ای نیز برخوردار شوند. در هر نظام سیاسی، تربیت نیروی انسانی از وظایف سیستم آموزشی کشور است. داشتن نیازمندی های کشور جهت نیل به توسعه اقتصادی نسبت به برنامه ریزی آموزشی و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر همت گمارد، طبیعتاً سرمایه گذاری در آموزش و پرورش در این چهارچوب نه تنها به هدر نمی رود بلکه بازده اقتصادی آن بسیار بیش از سرمایه گذاری در سایر بخش ها خواهد بود. آیا تاکنون رژیم ج. ا. توانسته به سرمایه گذاری و برنامه ریزی در این عرصه بپردازد؟! آمارهای دولتی گویای این است که رژیم نه تنها به مشکلات آموزش و پرورش بی توجه است بلکه مشکلات عدیده فراوانی را در عرض این چند سال بخصوص با سیاست "سپردن کار مردم بدست مردم" بوجود آورده است و در واقع سعی کرده مشکلات آموزش و پرورش را با خصوصی نمودن بخش نسبتاً بزرگی از موسسات آموزشی کشور حل نماید که نه تنها باعث حل مشکل خانواده ها نشده بلکه باعث بروز مشکلات فراوانی برای اقشار متوسط و کم درآمد شده است. در نظام آموزشی رژیم مدرسه های خوب و امکانات بهتر در اختیار ثروتمندان کسالی قرار می گیرد که فقط بخاطر برخورداری از شرایط ممتاز از امکانات ممتاز نیز بهره مند می شوند. رژیم امکانات آموزشی مناسب را در اختیار طبقات ثروتمند قرار می دهد و به آن جنبه رسمی و قانونی می دهد. موقعیت آموزش طبقاتی با موقعیت سکونتی

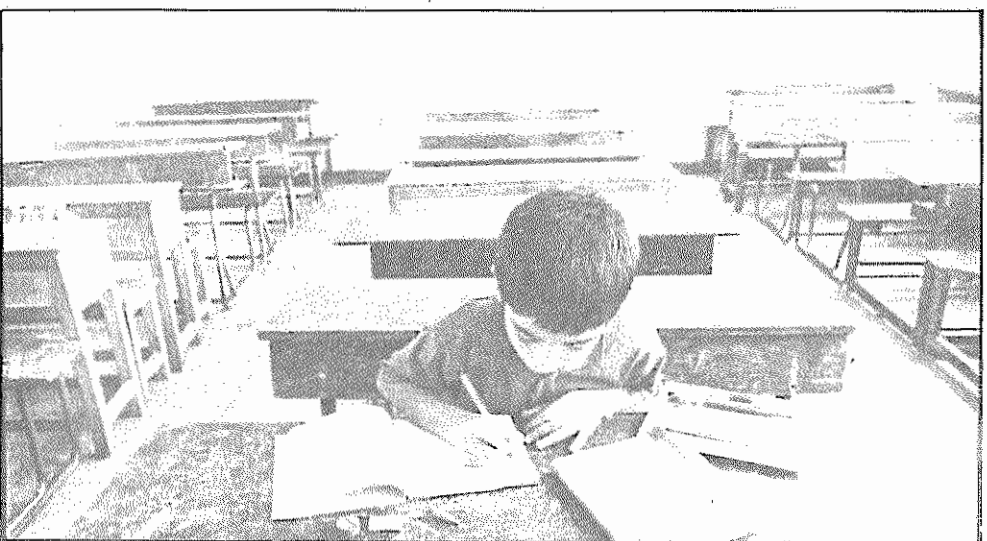
افشار اجتماعی پیوندی تنگاتنگ دارد. معلم های خوبتر ما بلند که در محله های اعیان نشین به کار آموزش اشتغال و روزند معلمین خصوصی با حق الزحمه هایی کلان، وظیفه و شدن امکانات آموزشی و توزیع عادلانه معلمان باسواد تریه وجود آمد اما با سیاست های غلط و مخرب ج. ا. تمام این امیدها بر باد رفت و امروز، رژیم برای حل این معضل سعی دارد بخش خصوصی را فعال کند. رژیم به دلیل تنگناهای مالی، مدارس غیر انتفاعی "خصوصی" بوجود آورد که شرط نخستین ورود به آنها پرداخت شهریه های کلان و بالاست. بهترین معلم ها به دلیل امتیازاتی که این مدارس فراهم می آورند جذب این مراکز می شوند. در این مدارس کلاس ها خلوت تر است. محوطه آموزشی برای زنگ تفریح گسترده تر و دلبازتر و امکانات آموزشی و فوق برنامه، آزمایشگاه و... بیشتر و گوناگون تر است. با تاسیس مدارس نمونه مردمی یعنی گروهی از مدارس دولتی که شاگردان قوی تری می پذیرند و شهریه های بین ۱۰ تا... هزار تومان طلب می کنند، شاگردان ضعیف تر با دانش آموزانی که توان پرداخت شهریه را ندارند به اعماق رانده می شوند، نتیجه آنکه سطح آموزش خانواده های فرودست همچنان پایین نگه داشته شده و مدارس خوب فرزندانشان نخیه و سرآمد و از نظر مالی توانا را پرورش می دهند.

تجربه و آزمون تشکیل و تاسیس مدارس غیر انتفاعی، نمونه خصوصی و نمونه دولتی و شاهد و توجه به انگیزه های بخش خصوصی و تجربه های بدست آمده شاید برای ۲۰ الی ۳۰ درصد افراد جامعه مقبول باشند ولی برای همه نیست. زیرا که اکثریت مردم توان تحمل پرداخت هزینه های بالا را ندارند. در یک نگاه به هزینه های جاری خانواده شهری و روستایی، تا ۱۲ الی ۳ سال پیش، هزینه آموزش و پرورش در جایگاه نهم از ده ردیف عمده قرار داشت اما این روزها با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی مردم درجه ردیفی قرار دارد!؟

کمبود شدید فضای آموزشی

با روند خصوصی شدن مدارس و مراکز آموزشی کشور بخش بزرگی از فرزندان زحمتکش کشور ما از امکان دستیابی به آموزش محروم می شوند زیرا که مدارس دولتی، با ظرفیتی محدود، با متقاضیان بسیار بیش از حد و گنجایش روبرو هستند و در سالهای قبل به همین خاطر مدارس، سه شیفته و چهار شیفته شدند.

در سال گذشته بنا به گفته آقای محمد حسین توکلی مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران در منطقه رباط کریم شهریار مدارس ۵ شیفتی امری بسیار عادی بوده است. همین مقام در آغاز سال تحصیلی گذشته اعلام کرد که در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ در این منطقه، مدارس ۶ شیفت خواهند داشت. (اطلاعات - ۵ شهریور ۱۳۷۱ ص ۹).



خصوص وجود ندارد و از رژیم هم در این زمینه هیچگونه انتظاری نمی توان داشت.

ترک تحصیل

ترک تحصیل از آن دسته از مسائل آموزش و پرورش است که علل آنرا اغلب باید خارج از سیستم آموزشی، یعنی در ارتباط با شرایط اقتصادی-اجتماعی جستجو کرد. اما این تلقی به معنای آن نیست که آموزش و پرورش در این ارتباط نقشی ایفا نمی کند در حقیقت ارزیابی واقع بینانه عمری نسبت به عدم بازده اقتصادی تحصیل دانش آموزان در سیستم موجود آموزشی موجب می شود تا والدین بین اشتغال دانش آموز یا ادامه تحصیل وی، اولی را انتخاب کنند. فقط طی یکسال، بیش از یک میلیون دانش آموز ترک تحصیل کرده اند. این قشر از افراد جامعه ما که بی پایست آینده را در دست های آنان جستجو کرده اند، ده ها مشکل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مجبور به ترک تحصیل میشوند و کشورمان بدین ترتیب دچار زیان های جبران ناپذیری می شود.

وضعیت بودجه سرانه در آموزش و پرورش

با وجود رشد سالانه جمعیت دانش آموزی بجای اینکه هزینه سرانه دانش آموزی افزایش یابد بر عکس با سرعتی بی سابقه کاهش می یابد. بنا به گفته معاون عمرانی و رئیس توسعه مدارس کشور در حالی که هزینه سرانه دانش آموزی در سال ۵۷ برابر ۱۸ هزار ریال بوده است در سال ۱۳۷۰ هزینه سرانه به ۸۲۰۰ ریال کاهش یافته است. طی این مدت اعتبارات آموزشی دو برابر شده، اما افزایش شدید جمعیت دانش آموزی و بی توجهی دولت جمهوری اسلامی باعث افت هزینه سرانه دانش آموزی شده است. این گذاری های آموزشی، سرمایه به هدر رفته نیز افزایش می یابد. در اینجاست که باید پرسید که علت افت تحصیلی دانش آموزان چیست؟ چرا هر سال بر میزان افت تحصیلی افزوده می شود؟ چنانکه گفته شد در درجه اول مسئولیت اصلی به گردن رژیم اسلامی است که سیستم آموزش و پرورش را بر نیازهای دانش آموزان منطبق نمی کند. از طرفی عدم هماهنگی بین آموزش و مسائل امروز، بسته بودن سیستم آموزشی، رفتارهای غلط کادر آموزشی و دفتری، خرافاتی کردن دروس و سوی دیگر مواردی چون نبود امکانات، کمبود معلم، وحتا سوء تغذیه، از عوامل مهم افت تحصیلی می باشند. یکی از مسئولان آموزش و پرورش در منجمله دنیای سخن (شماره ۴۳ سال ۱۳۷۰) اشاره می کند که ۶۰ درصد افت تحصیلی دانش آموزان بدلیل سوء تغذیه است. اگر این مسائل حل نشوند امکان بجهودی در این

تحصیل، بسیاری از خانواده های کم درآمد نمی توانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. تاسیس مدارس غیر انتفاعی و نمونه و شاهد که ظاهراً برای حل مشکل آموزش و پرورش از طرف بخش خصوصی خصوصی صورت گرفته، به این مشکل افزوده است و قوانین دست و پا گیری که برای ثبت نام دانش آموزان در نظر گرفته اند دشواری ها را دو چندان کرده است. بعنوان نمونه در برخی از نقاط استان تهران بدلیل رشد ۳۴ درصدی جمعیت دانش آموزی، بسیاری از مردم نمی توانند فرزندان خود را در دبستان یا دبیرستان دولتی که در نزدیکی خانه شان است ثبت نام کنند. مدارس دولتی مناطق دیگر اینگونه دانش آموزان را بدلیل آنکه ساکن آن منطقه نیستند، ثبت نام نمی کنند. راه یابی به مدارس خصوصی نیز برای دانش آموزانی که به فقر وسیع کارمندان و کارگران و حقوق بگیران یا درآمد ثابت وابسته هستند، بسیار دشوار است بطور مثال اگر یک کارمند فقط در فرزند مدرسه رو داشته باشد و بخواهد آنها را در یک مدرسه غیر انتفاعی ثبت نام کند، باید حداقل کل حقوق دوساله اش را برای تحصیل یکساله بپردازد. حداقل شهریه یک مدرسه غیر انتفاعی ۷۵ هزار تومان است. کدام کارگر و کارمند و حقوق بگیر در این جامعه بحران زده می تواند از پس چنین هزینه سنگینی بر آید؟ نتیجه این شده است که به اعتراف مسئولین رژیم، بیش از ۴۰ درصد کودکانی که به سن تحصیل می رسند، جایی در مدرسه نمی یابند. بر اساس آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۵۶، ۴۱/۶ درصد دختران روستایی و ۲۱/۱ درصد دختران شهری اساساً نمی توانند به مدرسه بروند و هر سال صدها هزار نفر بر تعداد بیسوادان افزوده می شود. آنگاه می بینیم که به مدرسه راه می یابند، شانس ناچیزی برای ادامه تحصیل دارند.

افت تحصیلی

در دوره تحصیلی ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۴، حدود ۷۷ درصد افت تحصیلی وجود داشته است به عبارت دیگر از مجموع دانش آموزانی که در سال ۱۳۵۱، در کلاس اول دبستان ثبت نام کردند تنها ۲۳ درصد تا پایان سال چهارم متوسطه ادامه تحصیل داده اند. مردودی پسران در دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ بطور متوسط، برابر با ۱۴/۰۹ درصد و دختران ۱۰/۹۵ درصد بوده است. در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۶ تعداد مردودین در کلیه سطوح آموزش و پرورش ۲۳۹۲۰۲۸ نفر بوده که ۲۲ درصد کل دانش آموزان را شامل شده است. دوره ابتدایی از ۷۲۳۲۲۸۲ دانش آموز دوره ابتدایی ۱۲۵۲۲۷۷ نفر یعنی ۱۷/۳ درصد مردود شده اند. همچنین در دوره راهنمایی از ۲۲۹۹۵۱۰ نفر دانش آموز ۴۸۲۸۰ نفر یعنی ۲۵ درصد مردود

شده اند. در آموزش متوسطه نیز از ۱۲۹۲۰۱۳ نفر دانش آموز تعداد ۳۳۵۹۲۳ نفر یعنی ۲۶ درصد در پایان سال تحصیلی مردود شده اند. بر اساس مطالعات به عمل آمده، هزینه تلف شده ناشی از افت تحصیلی دانش آموزان در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۶ معادل ۵۵۴/۳ میلیارد ریال می باشد. همچنین طبق آمار رسمی در سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ جمعاً تعداد ۱۰۳۱۲۳۳ نفر از دانش آموزان در دوره های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه ترک تحصیل کرده اند. اتلاف هزینه دولت و خانواده ها برای شکست خوردگان در تحصیل در همین سال، روی هم رفته مبلغ ۲۹۷ میلیون و ۷۰۴ هزار ریال بوده است.

در سال ۶۸ آموزش و پرورش در آمارهای رسمی خود اعلام می کند که هر سال با ۱۵ درصد افت تحصیلی روبرو است. به عبارت دیگر هر سال ۱۵ درصد دانش آموزان به ویژه در دوره آموزش متوسطه مردود می شوند. افت تحصیلی حتماً موجب زیان است که بسیاری از دانش آموزان ترک تحصیل کنند. در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ در حدود ۱۶ میلیون دانش آموز مشغول به تحصیل بوده اند؛ بر مبنای رقم ۱۵ درصد می توان به این نتیجه رسید که در همین سال تحصیلی ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار دانش آموز مردود شده اند! در همین سال هر دانش آموز بیش از ۱۳ هزار تومان هزینه داشته است. بدین ترتیب فقط در سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ بیش از ۳۱ میلیارد تومان سرمایه گذاری آموزش و پرورش به هدر رفته است. البته این رقم بسیار کمتر از رقم واقعی است. بسیاری از آمارهای غیر رسمی خبر از این می دهند که آموزش و پرورش فقط بخاطر افت تحصیلی، سالی ۷۵ میلیارد تومان ضرر می دهد. بی توجهی مقامات رژیم ج. ا. باعث گردیده که میزان افت تحصیلی سال به سال زیاد تر شود و بر همین اساس با توجه به نرخ تورم و سرمایه گذاری های آموزشی، سرمایه به هدر رفته نیز افزایش می یابد. در اینجاست که باید پرسید که علت افت تحصیلی دانش آموزان چیست؟ چرا هر سال بر میزان افت تحصیلی افزوده می شود؟ چنانکه گفته شد در درجه اول مسئولیت اصلی به گردن رژیم اسلامی است که سیستم آموزش و پرورش را بر نیازهای دانش آموزان منطبق نمی کند. از طرفی عدم هماهنگی بین آموزش و مسائل امروز، بسته بودن سیستم آموزشی، رفتارهای غلط کادر آموزشی و دفتری، خرافاتی کردن دروس و سوی دیگر مواردی چون نبود امکانات، کمبود معلم، وحتا سوء تغذیه، از عوامل مهم افت تحصیلی می باشند. یکی از مسئولان آموزش و پرورش در منجمله دنیای سخن (شماره ۴۳ سال ۱۳۷۰) اشاره می کند که ۶۰ درصد افت تحصیلی دانش آموزان بدلیل سوء تغذیه است. اگر این مسائل حل نشوند امکان بجهودی در این

تضعیف سمت گیری کارگری در حزب کارگر بریتانیا

کنفرانس سالانه حزب کارگر بریتانیا که از ۲۷ سپتامبر تا اول اکتبر رز شهر پیتون در جنوب انگلیس برگزار شد با اکثریتی بسیار ضعیف نسیم بسیار مهمی اتخاذ کرد که بر اساس آن از این پس در تعیین کاندیداهای حزب در انتخابات پارلمانی رای بلوکی اتحادیه‌های کارگری لغو و رای فردی اعضای حزب جایگزین آن می‌گردد. در فوریه ۱۹۰۰ که اولین کنفرانس سراسری اتحادیه‌های بزرگ کارگری بریتانیا با شرکت گروه‌های سوسیالیست در لندن برگزار شد، تصمیم گرفت که اتحادیه‌ها راسا در انتخابات پارلمانی شرکت نکنند. در این کنفرانس و با این تصمیم بود که عملاً حزب کارگر بریتانیا به مثابه یک سازمان سیاسی تاسیس شد. از آن زمان تا کنون حزب کارگر بریتانیا عملاً حزب اتحادیه‌های کارگری بریتانیا محسوب می‌شده است. مطابق اسانامه‌ای که همان زمان به تصویب رسید اتحادیه‌های کارگری تشکیل دهنده حزب تصمیم گرفتند که به نسبت اعضای خود حق داشته باشند برای انتخابات پارلمانی کاندیدا معرفی کنند. بعدها که سازمان‌های محلی غیر

اتحادیه‌ای در آن حزب شکل گرفت مقرر شد که آنها نیز نسبت به اعضای خود بتوانند برای انتخابات پارلمان کاندیدا معرفی کنند. اما میزان اعضای سازمانهای محلی نسبت به اعضای اتحادیه‌ها هیچگاه به بیش از چند درصد نرسید. مطابق این قانون و سنت در حزب کارگر انگلیس اتحادیه‌های کارگری با آرای میلیونی خود عملاً سرنوشت حزب را در دست داشتند و فرآیند پارلمانی حزب عموماً از نمایندگان تشکیل می‌شد که برای اتحادیه‌ها برگزیده و نامزد شده بودند.

از اوایل دهه ۸۰ تا کنون مبارزه‌ی حاد و در درون حزب کارگر بر سر حفظ و یا تغییر این قانون جریان داشته است. علت اصلی حداث این مبارزه در اصل تغییراتی است که در موقعیت اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا در دوره حاکمیت تاجریسم پدید آمده است.

دهه ۸۰ خانم تاجر نبردی سنگین علیه قدرت بی‌کران اتحادیه‌های کارگری شروع کرد. او به پشوانه قدرت دولتی و نیز به پشوانه تغییراتی که در ترکیب جمعیت کشور بزیان سهم کارگران صنایع سنگین پدید آمده بود و حتی با بکارگیری آشکار زور یک رشته

قوانینی را به کرسی نشاند که هدفش و تاثیرش مشخصاً تحدید موقعیت اتحادیه‌های کارگری بود. رونق اقتصادی در آن سالها نیز راه را برای این تغییرات بازمی‌کرد.

در کنفرانس اخیر حزب کارگر نمایندگان اتحادیه‌های بزرگ فولاد، ذغال، راه آهن و حمل و نقل و غیره شدت مخالف اصلاح پیشنهادی جان اسمیت رهبر حزب بودند. در حالیکه اتحادیه‌های معلمین، مهندسی و دیگر اتحادیه‌های یقه سفید از آن طرفداری می‌کردند. سرانجام با ۴۴/۵ درصد مخالف و ۸ درصد موافق کنفرانس به لغو رای بلوکی اتحادیه‌های کارگری رای داد. از این پس اعضای اتحادیه‌ها فقط با پرداخت سالیانه سه پوند حق رای فردی خواهند داشت. استدلال اصلی در مخالفت با پیشنهاد جان اسمیت تاثیر آن در تغییر ماهیت حزب و جدا کردن آن از طبقه کارگر و سمت گیری اجتماعی آن بود. استدلال اصلی در پشتیبانی از تغییر، دموکراتیزه کردن حزب و تقویت پیوند آن با بخش‌های وسیع تری از جامعه و تقویت زمینه برای برد در انتخابات پارلمانی بعدی بود. این

بوتوبار دیگر نخست وزیر پاکستان شد

ادامه از صفحه ۱۲

شدیدی برای تشکیل ائتلاف حائز اکثریت بود. هم حزب مردم وهم حزب مسلم لیگ کوشیدند بارشوه و وعده منام و ثروت، نمایندگان منفرد و احزاب کوچک را به سمت خود جلب کنند. با اینکه حزب مردم در سطح دولت مرکزی در این رقابت بر مسلم لیگ پیشی گرفت، هنوز سرنوشت دولت ایالتی پنجاب معلوم نیست. ۶۰ درصد جمعیت پاکستان در پنجاب زندگی می‌کنند و معروف است که هر کس پنجاب را در کنترل داشته باشد کنترل کشور را در دست دارد. در نخستین دوره زمامداری بوتو ۱۳۶۷-۶۹، نواز شریف نخست وزیر ایالت پنجاب بود و توانست با استفاده از نفوذ خود برای دولت بوتو مشکلات زیادی ایجاد کند. اکنون بوتو می‌خواهد از تکرار این تجربه جلوگیری نماید، اما معلوم نیست بتواند در پارلمان ایالتی پنجاب نیز اکثریت مشابهی برای حزب خود بدست آورد.

ائتلاف جدید حاکم بر پاکستان، بخاطر وابستگی به منفردین و احزاب کوچک، عنصر ناپایداری را در خود دارد. در چنین شرایطی، امکان اینکه بوتو بتواند با قدرت حکومت کند ضعیف است. به نظر می‌رسد این درست همان وضعیتی است که ارتش می‌خواهد: دولت ضعیفی که نتواند به مواضع الیگاری حاکم، مشکل از صاحبان سلاح، پول، قدرت و زمین تعرض کند. برخی ناظران معتقدند ارتش که قدرت اصلی ناظر بر انتخابات بود، نتیجه انتخابات را با تقلب درست در جهت تغییر داد که وضعیت کنونی ایجاد شود. سران ارتش که می‌دانند در جهان کنونی یک دیکتاتوری نظامی جدید با واکنش‌های منفی مواجه خواهد شد، از این طریق می‌خواهند نفوذ

خود در سیاست پاکستان را حفظ کنند. البته دوره دوم زمامداری بوتو با دوره نخست قابل مقایسه نیست. وقتی پنج سال پیش بوتو برای نخستین بار عهده دار مقام ریاست دولت شد، کل طیف محافظه کار و اسلامی هدف دیگری جز سرنگونی هر چه زود تر بوتو در سرنداشتند. اما اینک به نظر می‌رسد ارتش برای خارج کردن پاکستان از انزوای فزاینده فری می‌ماند بی نظیر بوتو نایب زمامدار است. همچنین باید از کاهش نفوذ بنیادگرایان نام برد که در مجلس جدید تنها ۳ نماینده دارند. پاره‌ای نکات منفی که بر نخستین دوره حکومت بوتو سایه افکندند، به قوت خود باقی‌اند. در دوره اول، آصف سرداری همسر بوتو با سوء استفاده از نفوذ خانوادگی‌اش، دست به سوء استفاده مالی و رسوایی‌هایی زد که به حیثیت بوتو لطمه جدی وارد آورد. وضعیت اقتصادی پاکستان وخیم است. رشد سالانه جمعیت پاکستان در جهان مقام اول را دارد و به ۳/۴ تا ۳/۶ درصد بالغ می‌شود، یعنی جمعیت این کشور تا اواخر این دهه ۷۰ پشده ۲۰ سال دوبرابر می‌شود. ۷۰ درصد مردم پاکستان سواد خواندن و نوشتن ندارند. ۴۳ درصد کودکان پاکستانی از سوء تغذیه رنج می‌برند. بدیهی‌ها خارجی‌ها که حدود ۲۳ میلیارد دلار و کسری بودجه دولت این کشور، ده درصد تولید ناخالص ملی است. رشد اقتصادی سالانه پاکستان در سالهای اخیر از ۷/۵ به ۳ درصد کاهش یافته است. در چنین شرایطی، بعید بنظر می‌رسد که بوتو بتواند به وعده کارورفاه برای همه که در انتخابات مطرح کرد، عمل کند.

ائتلاف ده گروه فلسطینی مخالف عرفات

ادامه از صفحه ۱۲

به کاستن از تنش‌ها در منطقه وحل مسئله اعراب و اسرائیل است. امانه به قیمت چشم پوشی از حقوق خود. در حالی که دمشق خواهان عقب نشینی اسرائیل از بلندی‌های جولان است اسرائیل خواستار عقد قرارداد صلح قبل از چنین اقدامی است. دنیس راس پس از مذاکره با عمر موسی و حسنی مبارک وزیر خارجه و رئیس جمهور مصر در قاهره گفت یک موضوع مذاکراتش در خاور میانه، تعیین موعد آغاز دور جدید گفتگوهای صلح است. راس در مورد تهدید سوریه به تحریم

مذاکرات اظهار داشت که اسرائیل و سوریه آمادگی خود را برای حل همه جانبه اختلافات اعلام کرده‌اند. اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل هفته گذشته گفت آماده ادامه مذاکره است اما اگر سوریه مخالف تاریخ معینی برای مذاکرات است و موعد دیگری را پیشنهاد می‌کند، این امر مشکلی ایجاد نمی‌کند. این سخنان رابین را باید بدین تعبیر کرد که اسرائیل هیچگونه شتابی برای حل اختلاف با سوریه از خود نشان نمی‌دهد.

جایزه صلح نوبل

ادامه از صفحه ۱۲

را آغاز کرده‌اند اما آن را هنوز به پایان نبرده‌اند تا نتیجه نهایی سیاست‌شناس روشن شود. در آفریقای جنوبی گام‌های مهمی در جهت محور آپارتاید برداشته شده اما قدرت همچنان در دست اقلیت سفید پوست است که یکی از برندگان جایزه صلح نوبل، ده سال مدافع تمرکز قدرت در دست آن بود. قرار دادن نلسون ماندلا که عمری را در راه محور آپارتاید گذرانده است، در کنار دکلرک که تا پیش از چرخش خود از موثرترین سیاستمداران رژیم آپارتاید محسوب می‌شد، نشان از ظرافت و قدرت تشخیص سیاسی در کمیته نوبل ندارد. با وجود بی‌انصافی کمیته نوبل در یکسان کردن ماندلا و دکلرک، رهبر کنگره ملی آفریقا از تصمیم این کمیته استقبال کرد و گفت جایزه خود را به همه کسانی تقدیم می‌کند که برای تحقق دموکراسی در آفریقای جنوبی می‌رزمند.

نگاهی به وضعیت آموزش

ادامه از صفحه ۷

سالانه ۲۵ کلاس داشته باشد هر روز باید ۴ مدرسه در حد استاندارد سازد و همان روز هم از آن بهره برداری کند. ساختن این مدارس و تهیه وسایل هر سال به ۳۰۰ میلیارد تومان سرمایه نیاز دارد. در حالی که بودجه آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۱ فقط ۲۴۵ میلیارد تومان بوده است. یعنی اگر آموزش و پرورش تمام موجودی خود را برای ساختن مدارس هزینه کند باز هم ۵۵ میلیارد تومان کم دارد.

هزینه‌های سرانه اجتماعی همچون آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و غیره نه تنها به مثابه شاخص‌هایی برای محک زدن میزان رفاه موجود در یک جامعه به شمار می‌آید بلکه معیاری برای سرعت و سمت‌وسوی توسعه و رشد اقتصادی نیز هست. اما رواقام فوق‌بیانگران است که دولت آقای رفسنجانی بجای کمک به آموزش و پرورش، ارتقا سطح فرهنگ جامعه و تامین نیروی نیمه ماهر و ماهر کارشناسان زبده و متخصص مورد نیاز اقتصاد و صنایع کشور، بجای سرمایه‌گذاری، به عنوان گوناگون از بودجه و اعتبار آموزش و پرورش می‌کاهد و کشورمان ایران را دچار کمبود افراد متخصص و سازنده کرده خسارات جبران ناپذیری بر آینده جوانان و نوجوانان میهن ما وارد می‌کند. شواهد گواه این است که برنامه‌های دولت اسلامی برای آموزش و پرورش فقط و فقط بر دیدگاه اقتصادی پایه ریزی شده و پیشتر سعی می‌شود که از بار اقتصادی آموزش و پرورش بر دولت کاسته شود.

کمبود استادان، دبیران و معلمان بهتر است در این خصوص پیش از هر چیز به گفته‌های خود آقای رفسنجانی مراجعه نمایم: بر اساس ادعای آقای رفسنجانی «کادرفنی

آموزش و پرورش شامل معلمان و مدیران آموزش و پرورش کشور تنها به ۸۵۰ هزار نفر بالغ می‌شود که در مقایسه با تعداد دانش آموزان نمی‌تواند جوابگوی سازماندهی و مدیریت صحیح مراکز آموزشی کشور باشد. آموزش و پرورش کشور در سال ۱۳۶۸ پیش بینی کرده بود که سالانه حداقل به ۲۳۵۰۰ کلاس درسی و ۲۵۰۰۰ آموزگار جدید نیازمند است که این ارقام هیچ کدام کوچکترین قربانی آنچه که ایجاد گردیده است ندارد. علیرغم تمام هشدارها و تاکیداتی که پس از پیروزی انقلاب نسبت به ضرورت دگرگونی و تغییر نظام آموزشی از طرف صاحب نظران علمی و سیاسی ابراز شد، تمام هم و غم وزرا و مسئولین مربوطه صرفاً بر امر گزینش معلمان و دبیران و همچنین اجرای بخشنامه‌های آداب و افزایش ساعات تدریس زبان دینی و عربی متمرکز شده است. و کتاب‌های درسی کودکان نو آموز سرشار از خرافات و تهی از مطالب علمی است.

از طرفی دیگر استادان یا تجربه و قدیمی بدلیل مکتبی نبودن و دگراندیش بودن از مدارس و دانشگاه‌ها اخراج شده‌اند و یا خودشان تحت فشار، آن را ترک کرده‌اند. کمبود آموزگار، دبیر و استاد از جمله عوامل بسیار مهمی است که کیفیت آموزش در سطح ابتدایی، متوسطه و عالی را در کشور ما بشدت تنزل داده است. رژیم بجای اختصاص اعتبارات ضرور برای گسترش موسسات تربیت معلم تلاش می‌ورزد که جای خالی آموزگاران و دبیران و استادان مورد نیاز را با افرادی پر کند که بخش چشمگیری از آنها حتا حداقل پایه تحصیلی و علمی ضروراً ندارند. رژیم دانشا از بودجه مراکز تربیت معلم می‌کاهد و از طرفی به دلیل فشاری که در این مراکز وجود دارد اغلب دختران و پسران از ادامه تحصیل و خدمت در آموزش و

پرورش متصرف می‌شوند. در ضمن در دوران انقلاب فرهنگی هزاران معلم و استاد از کار برکنار شدند و این یکی دیگر از ضرباتی است که آموزش و پرورش کشورمان خورده است. رژیم در این عرصه نیز هیچ تلاشی همراه با برنامه ریزی و صرف بودجه و اعتبارات برای حل این معضل اساسی نمی‌کند و مشکلات در این خصوص سال به سال افزایش می‌یابد.

جو مراکز آموزشی امسال همچون سال‌های گذشته شاهد فضای ترور و خفقان در محیط آموزش کشور هستیم. دانش آموزان و معلمان و دبیران از آزادی‌های دمکراتیک از جمله آزادی بیان و تشکل محروم هستند هر گونه تلاش متشکل برای دستیابی به حقوق صنفی یا سرکوب و دستگیری همراه است کمترین حکم برای جوانان دگراندیش محرومیت از تحصیل می‌باشد. در این میان انجمن‌های اسلامی در موسسات آموزشی با برخورداری از امکانات و اختیارات زیاد می‌کوشند سیاست‌های ارتجاعی رژیم را به اجرا گذارند. هرگاه سخن از فضای محیط‌های آموزشی به میان می‌آید می‌بایست حتماً درباره ستم و تبعیض‌های غیر انسانی که نسبت به دختران دانش آموز وارد میشود سخن گفت. آنها محروم از ابتدایی‌ترین حقوق از جمله انتخاب رشته تحصیلی، نحوه پوشش و آرایش و... می‌باشند. چنین است تنها گوشه‌هایی از بحران آموزشی در ایران. در پایان مناسب است اهداف برنامه پنج ساله دولت آقای رفسنجانی در مورد آموزش و پرورش را بطور کامل ذکر کنیم تا با مقایسه آمار و ارقام گفته شده در این مقاله مشخص شود که آیا این برنامه موفق بوده است یا خیر؟

اهداف برنامه ۵ ساله در خصوص آموزش و پرورش ۱. بازنگری و تغییر نظام آموزش و پرورش متناسب با نیازهای جامعه و

از میان نامه‌ها

هم و غم خود را صرف حرکت کنیم.

خواننده گرامی رضا از هانور آلمان، ضمن اشاره به تلاشهایی که در سازمان جهت تدوین خط مشی توسعه صورت می‌گیرد، نوشته‌اند اگر منظور سازمان تهیه سندی است شسته رفته که برنامه دیگران را بتوان با آن راحت محک زد، و راه آینده را پیش بینی (تست) دراز مدت کرد، باید گفت که چنین کاری محال است. چرا؟ چون راههای بیرون رفت از توسعه نیافتگی، ضمن اینکه به اطلاعات تئوریک نیاز دارد، به اطلاعات و ارقام و آمار متکی است. و روند امور دنیا را امروزانطور است که نقش آمار روز به روز بیشتر می‌شود. باید داده‌ها بر نامه، با تعداد آمار و ارقام موجود همخوان باشد. نمی‌شود برنامه کاملی را بر روی آمار ناقص بنا کرد. اما راه چاره چیست؟ اولاً سازمان باید بکوشد که در زمینه‌های مختلف دیدگاه علمی به دست آورده و راه نگرش علمی به مسائل را نیز نشان دهد. نگرشی علمی به مسائلی از قبیل جمعیت، بیسادی، آموزش و پرورش، اعتیاد و... که ضرورتاً متکی به ارقام، آمار، نمودار و... است. باید اذعان کرد که در چنین مواردی، مقالاتی که در نشریات داخل کشور منتشر می‌شود، مثل اطلاعات علمی به مراتب حالب تر از مقالات "کار" است. راه دور شویم. در بررسی عملکرد سورا و سازمان، همواره از پیشرفت‌ها و کسب‌دهی‌ها به صورت کیفی یاد شد، چرا سازمان کوشش نمی‌کند، عملکرد خود را تا حدی به صورت کمی "تزیین" دارد؟ دیدگاه کیفی تا حد زیادی به تضادهای شخصی و ذهنی وابسته است و برعکس دیدگاه کمی می‌کوشد که

شورای سیاسی تشکیل دهید!

از سازمان انتظار دارم که یک شورای سیاسی تشکیل دهد که جهت تهیه مطالب سیاسی پیرامون مسائل جهان (مثلاً پ. کا. کا. و ترکیه، ناسیونالیسم، فلسطین، کانادا، پاناما، نیکاراگوئه، سازمان ملل، حقوق بشر، شکنجه، کودک، زن، شخصیت‌های برجسته جهان و عملکرد و نقش آنها در تاریخ، مطالب اقتصادی و غیره) تحقیق کرده و جهت بالا بردن کیفیت نشریه هم مطالبی تهیه کند. مدتهاست که در هیچ کدام از نشریات سیاسی اپوزیسیون ایران مطالب با ارزش به چشم نمی‌خورد. حالا که کنگره با

موفقیت کم یا زیاد به خوبی برگزار شده انتظار دارم که سازمان جهت رفع چنین نقیصه‌ای هم بکوشد. ... ترجمه شعری از برنده گورانی برایان فرستادم که به ترکیه‌ای مقیم آلمان هدیه شده بود. با وجود ترور و آتش سوزیهای اخیر جا داشت که چاپ شود ولی ندیدیم؟

کار: ضمن تشکر از ارسال شعر "کارگر بیگانه" برای نشریه کار، باید متذکر شویم که متأسفانه ترجمه شعر مذکور از کیفیت مناسب برای چاپ برخوردار نبود. امید داریم که همکاری شما با "کار" ادامه یابد.

در دو شماره پیاپی ۶۶ و ۶۵، مورخ ۲۷ مرداد و ۱۰ شهریور ۱۳۷۲، نشریه کار، ۴ مطلب درباره مناقشات پیرامون قره باغ علیا درج شده که هر کدام به نوعی نمونه وارند. - موضعگیری شورای مرکزی (در کار شماره ۶۵): بین جمهوریهای آذربایجان و ارمنستان هیچ "جنگ تمام عیاری" در جریان نیست. زدو خورد های نظامی میان نیروهای مسلح محلی قره باغ و ارتش آذربایجان صورت گرفته و ارتش منظم ارمنستان نقشی در این زدو خورد ها ندارد، و به تبع آن نیز نمیتواند بخشی از خاک آذربایجان را به تصرف خود درآورد. منظور پیشروی نظامی نیروهای مسلح ارمنه قره باغ خارج از مرزهای "جمهوری خودمختار قره باغ" است

کار: نسبت به موضع "کار" در جنگ میان آذربایجان و ارمنستان انتقادات و تذکراتی به دست ما رسیده است که نشانه اهمیت و حساسیت این موضوع، به ویژه در میان خوانندگان ارمنی و آذری "کار" است. برخلاف نظر این خواننده عزیز که ما را به بولتن وزارت خارجه آذربایجان تشبیه کرده‌اند، نامه‌هایی از سوی خوانندگان آذری نیز دریافت کرده‌ایم که ما را متهم به ترک کوی "نموده‌اند. ما موضع گیری نشریه کار در این مورد را صریح، روشن و درست می‌دانیم. مخالفت با جنگ و مخالفت با دولت‌هایی که می‌کوشند اختلافات خود را با همسایگان از طریق جنگ حل کنند، از

فرخ نگهدار در کار شماره ۶۶ مطلبی با عنوان "آقای رفسنجانی: تصمیم بگیر!" نوشته و در آن رفسنجانی را پند و اندرز داده است.

ف- نگهدار که رویش نشده در شرایط فعلی نامه‌ای رسمی به رئیس جمهور کشورش بنویسد، در آغاز نوشتارش از حریفش و از دشمنش! - به نوعی معذرت خواهی کرده و از ایشان خواسته که قصد او را دریابند. قصد فرخ نگهدار محکوم کردن سیاستها و شخص رفسنجانی نیست، بلکه هنر و کار او این است که "جهت منفی را ببیند و برجسته کند". ایشان مطمئناً از نقاط قوت! حریفشان آگاه هستند. چه خوب که حریفان خود بهتر از هر کسی نقاط قوت خود را برمی‌شمارند، و گرنه چه دردناک بود خواندن مقاله‌ای به قلم ف. نگهدار در نشریه کار پیرامون نقاط قوت رفسنجانی.

ونه چیز دیگری! مسئولان رسمی آذربایجان اعلام کرده‌اند، که ارمنه ۱۷ درصد خاک آذربایجان را به تصرف خود درآورده‌اند. در موضعگیری شورای مرکزی سازمان هم بر این موضوع اشاره کرده‌اند. آیا این مناطق اشغالی شامل "قره باغ کوهستانی" هم می‌شود؟ اگر کردهای ایران در عملیات نظامی مثلا مرفق شوند همدان را تصرف کنند، آیا شما این عمل را تجاوز به خاک ایران ارزیابی خواهید کرد؟ در مطلب خبری کار ۶۵، صحبت از سر استفاده نیروهای محلی ارمنه قره باغ از بحران داخلی آذربایجان و ادامه پیشرویهای نظامی در خاک آذربایجان شده است. آیا مساله قره باغ علیا یکی از علل اصلی بحران مزمن قدرت در

سیاست‌های اصولی ماست. اشغال بخش‌هایی از خاک آذربایجان توسط نیروهای ارمنی را نمی‌توان به حساب مناقشات ملی در کشور آذربایجان نوشت. برخلاف نظر این خواننده ارمنی، ما، طرف ارمنی این جنگ فقط نیروهای محلی قره باغ نیستند و دولت ارمنستان مستقیماً درگیر این جنگ بوده است و تاکنون هم دولت ارمنستان اگر اهی هم نداشته آن را آشکارا اعلام نماید. علاوه بر این، نیروهای محلی قره باغ کجا دارای هواپیما و هلی‌کوپتر برای آن همه پیمباران شهرها و روستاهای آذربایجان که صورت گرفته، بوده‌اند؟ بویژه در هفته‌های اخیر و بدنبال پیوستن جمهوری آذربایجان به جرگه کشورهای

اشتباه بزرگ ف. نگهدار و خیلی‌هایی دیگر این است که بین رفسنجانی و تورپخش‌های دولت و "مجلسیان و مترجمین متخفیری که جز به جیب گشاد خود فکر نمی‌کنند و جایی را جلوتر از نوک بینی‌شان نمی‌بینند" فرق اساسی می‌گذارند و به آنها امید وارند.

اتفاقاً خطرناک بودن رفسنجانی در اینجا است که نه تنها به جیب گشاد خود فکر میکند بلکه جلوتر از نوک بینی‌اش راه می‌بیند. رژیم امثال رفسنجانی‌ها در دراز مدت مطمئناً بیشتر به ضرر مردم خواهد بود. در چنین رژیمی چاییدن مردم و پاپسال کردن حقوقشان پنهانی انجام خواهد گرفت. مردم از یک سری آزادیهای ظاهری برخوردار خواهند شد. این آزادیهای ظاهری هم که به مردم اعطا می‌شوند به به خاطر

جمهوری آذربایجان نیست؟ "سوء استفاده" دیگر چرا؟ فکر می‌کنم انتخاب عنوان، تاکید بر جهت گیری جانبدارانه سیاسی سازمان است که در بیانیه فوق‌الذکر هم بیان شده است نه کوششی برای بیان دقیق ترواقعیت! - راستش را بخواهید، هنگام خواندن مطلب "بخش دیگری از خاک آذربایجان به اشغال مهاجمان ارمنستان درآمد"، در کار شماره ۶۶، ناچارانه به صفحه اول مراجعه کردم، تا مطمئن شوم نشریه‌ای که خریده‌ام، "کار" است و نه بولتن وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان. - گزارش‌هایی از جمهوری آذربایجان در شماره ۶۶ کار: علیرغم تذکریات تجربیه، که به

مشترک‌المنافع بیشتر روشن شده که چه عواملی پشت سر جنگ قره باغ قرار داشته است. جمهوری آذربایجان در این درگیری‌ها همواره خواهان قطع جنگ و مذاکره برای حل اختلافات بوده است. این موضع هر دلیلی هم که داشته باشد، موضع اصولی و به سود مردم هر دو جمهوری و متناسب با خواست دیگر ملل منطقه برای اجتناب از گسترش درگیری‌ها بوده است. در مورد چاپ مقاله "گزارشی از جمهوری آذربایجان" که مورد اعتراض این خواننده عزیز و تعدادی دیگر قرار گرفته است نیز توضیح این نکته را خالی از فایده نمی‌دانیم: هنوز هستند کسانی که از اوضاع گذشته کشورهای اروپای

مبارزات مردمی تمام خواهد شد. فرخ نگهدار که مثل اینکه خیلی نگران موقعیت رفسنجانی است و می‌ترسد که "کشورش درگیر توفان و طغیانی بی‌امان گردد" و ترتیب حکومت رفسنجانی‌ها داده شود، به او توصیه کرده‌ام که "دورنگر" باشد و به مدیران و مسئولان دستگاه دولتی که خود ساخته‌اند اعتماد و بر آنها تکیه کند، که بدون اینان هیچ دستگاه حاکم‌ه‌ای هیچ چیزند کرد جز روبه پایان بردن دوران سلطه خویش.

امیدوارم که "رفسنجانی‌ها" توصیه‌ها و هشدارات "فرخ نگهدار" را به جد نگیرند و گرنه که روزی‌هایی انسان به ابدیت خواهد پیوست. بهمن. م.

"کار" ارگان فدائیان (اکثریت)، یابولتن وزارت امور خارجه آذربایجان؟

شیخ وجه از گناه چاپ آن در این نشریه نمی‌کاهد، مقاله‌ای فقط مداحی حیدر علی‌اف است و دیگر هیچ و برای همین هم برآزنده، نشریه شما که مدعی هستید از بلاهایی که امثال حیدر علی‌اف‌ها بر سر "چپ‌ها" آورده‌اند، آموخته‌اید، نیست. این مطلب نه برای خواننده علاقمند مفید بود و نه مفید به حال نشریه کار. این نامه بدست، در ارگان فزوق دمکرات آذربایجان چاپ شود! متأسفانه موضع سازمان و نشریه کار، نه محصول تحلیل عینی، بلکه بیشتر نتیجه محاسبات ذهنی است. چنین برمی‌آید که مصرف خانگم یک خواننده ارمنی

شرقی دفاع می‌کنند و برای خود استدلالاتی هم دارند. نشریه کار این نظرات موافق نیست، لیکن این مخالفت نمیتواند مانع از این شود که کار فکری یا نظری را سانسور کنند. کار برای این دسته از خوانندگان خود نیز، مانند خوانندگان گانی که نظرات دیگری دارند، حق اظهار نظر و میباحثه قایل است. اما چاپ آن مقاله نه بدین دلیل، بلکه بدلیل آشنا به خوانندگان با اوضاع داخلی جمهوری آذربایجان از دید ناظر مستقیم صورت گرفت و طبعاً هر ناظر دارای جهت گیری و دیدگاه شخصی خود نیز هست. نشریه کار کوشید و توضیح کوتاه ابتدای آن مقاله این موضوع را مورد توجه قرار دهد.

"تصمیم رفسنجانی هم هیچ دردی را دوان خواهد کرد!"

مردم دوستی رفسنجانی‌هاست بلکه به خاطر دورنگری آنهاست. اینها هم تا کنیکهایی هستند برای خفه کردن صدای مردم و طولانی‌تر کردن دوران سلطه خویش. خطرناکترین مسئله‌ای که ما با آن روبرو هستیم همین امید به رفسنجانی‌هاست. این امید باعث می‌شود که مردم به آثرنا تپوهای دیگری فکر نکنند و تنها راه نجات خود را در قدرت گیری هر چه بیشتر رفسنجانی و تکنوکرات‌های او ببینند. (البته این که مردم به آثرنا تپوهای دیگری فکر نکنند، یکی از اهداف فرخ نگهدار است، که اکنون به فرمیت بودن خود افتخار می‌کند.) رژیم رفسنجانی ظاهری دمکرات و باطنی مستبد و حیوانی خواهد داشت و به خاطر همین ویژگی از حمایت رسمی و غیر رسمی تمامی کشورهای غربی برخوردار خواهد شد، که این هم به نوبه خود به ضرر

با اشتراك کار ما را در پيشبرد وظيفمان ياري رسانيد

فرم اشتراك		بجای اشتراك نشریه کار		ارگان مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)									
برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.													
مايلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بجای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.		<table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا</td> <td>۴۵ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها</td> <td>۵۲ مارک</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table>		شش ماهه	یکساله	اروپا	۴۵ مارک	سایر کشورها	۵۲ مارک		۱۰۴ مارک	حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کد بانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY	
شش ماهه	یکساله												
اروپا	۴۵ مارک												
سایر کشورها	۵۲ مارک												
	۱۰۴ مارک												
آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید) Name: _____ Address: _____		مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.		آدرس: _____ fax: 00 49 - 221 - 3318290									

روسیه: فعالیتهای انتخاباتی همزمان با توقیف مطبوعات آغاز شد

والدمار پاولاک نخست وزیر لهستان شد

دو هفته پیش، حزب دهقانان با اتحادیه دمکراتیک چپ لهستان برای تشکیل یک دولت ائتلافی به توافق رسید. این دو حزب در پارلمان ۴۶۰ نفری لهستان مجموعاً ۳۰۳ کرسی را در اختیار دارند. والس در یک موضعگیری عجیب، ضمن تاکید بر اینکه به غیر از پاولاک، کاندیدای دیگری برای احراز پست نخست وزیر سرراغ ندارد، اظهارنگرانی کرد که پاولاک نتواند از عهده وظیفه دشوارش برآید.

پس از طرح اختلاف برداشت ها در مورد نحوه تعیین وزرای کشور، دفاع و خارجه، یکی از رهبران اتحادیه دمکراتیک چپ گفت که دولت جدید قصر واریاویا والس را ندارد.

لخ والس رئیس جمهور لهستان، والدمار پاولاک رهبر حزب دهقانان این کشور را به سمت نخست وزیر منصوب کرد. پاولاک که تنها ۳۴ سال دارد، جانشین هانا سوخوتسکا شد. پاولاک دو هفته فرصت یافته است کابینه و برنامه دولت خود را به رای پارلمان جدید بگذارد. گفته می شود آندره اولخوسکی وزیر دارایی پیشین، به احتمال زیاد عهده دار وزارت خارجه خواهد شد و جای کریستوف اسکوشینسکی را خواهد گرفت. وزارتخانه های دفاع، کشور و خارجه باید توسط وزرایی اداره شوند که درباره انتصاب آنها قبلاً با ریاست جمهور مشورت شده باشد، اما روشن نیست که حد اختیارات رئیس جمهور در تعیین این مقامات چیست.

دارند. حیدر افزود باید با رویاهای پوپولستی مبارزه کرد، حتی اگر این رویاهای بزرگ پرینده در دست مخالفان ما باشد.

تلویزیون روسیه به تفصیل در یازده کنگره مؤسس انتخاب روسیه گزارش داد، اما وقت بسیار کمتری به سایر جریانها اختصاص داد. تنها جریان دیگری که تلویزیون روسیه از فعالیت های انتخاباتی آن خبر داد، گروه وحدت و یکپارچگی روسیه به رهبری شاخرای معاون نخست وزیر است. شاخرای در گردهمایی طرفداران خود، ایجاد ساختارهای فدرال در روسیه را موضوع اصلی مبارزه انتخاباتی خود اعلام کرد. از جمله گروههایی که تلویزیون روسیه از فعالیت های آن خبری نداده است گروه طرفداران گریگوری یاولینسکی از مشاوران اقتصادی گارباچف است که می کوشد بطور مستقل در انتخابات شرکت کند. گنادی زیوگانف رهبر حزب کمونیست روسیه که بدستور پلتنسین ممنوع اعلام شده است، طی اظهاراتی که در روزنامه ایزوستیا چاپ شد، خواهان امکان فعالیت مجدد حزب خود گردید.

می خواهد تا ۲۵ تا ۳۰ درصد کرسی های پارلمان را به دست آورد. سخنگوی پلتنسین گفت وی قصد ایجاد حزب رئیس جمهور ندارد اما از انتخاب روسیه حمایت می کند.

گروه روسیه دمکراتیک برای تشکیل لیست های مشترک انتخاباتی با انتخاب روسیه اعلام آمادگی کرد. گلب یا کونین رهبر جریان روسیه دمکراتیک برگزار کنندگان کنگره انتخاب روسیه را متهم نمود که می خواهند کنترل جنبش اصلاحات را بدست بگیرند.

نه تمام حزب. روز جمعه ۲۳ مهرماه، پاریس پلتنسین فرمانی صادر کرد که به موجب آن، همراه با انتخابات ۲۱ آذرماه، یک همه پرسی در مورد قانون اساسی روسیه نیز برگزار خواهد شد. طبق فرمان پلتنسین، اگر اکثریت رای دهندگان، طرح قانون اساسی جدید را بپذیرند، این قانون به گراش خبرگزاری ایتار-تاس، تنها سوال فرادوم این است: آیا شما با قانون اساسی فدراسیون روسیه

با اینکه مقررات فوق العاده وضع شده در جریان نا آرامی های ماه گذشته مسکو، روز دوشنبه ۲۶ مهر پرسی از دو هفته رسماً لغو شد، دولت روسیه ۱۷ نشریه اپوزیسیون را که تحت مقررات فوق العاده اجازه انتشار نداشتند، بطور نهایی ممنوع کرد. در میان این نشریات نام روزنامه پراودا و روزنامه ساوتسکایا راسیا (روسیه شوروی) که از مطبوعات پرتیراژ روسیه اند، دیده می شود. در حالی که پانزده نشریه دیگر بطور قطعی ممنوع شده اند، وزارت اطلاعات و مطبوعات دولت پلتنسین که مسئولیت آن را ولادیمیر شومیکو بر عهده دارد، صدور اجازه انتشار مجدد پراودا و ساوتسکایا را بسیار منوط به تغییر نام و سردبیر این دو روزنامه کرده است.

پهانه دولت پلتنسین برای ممنوع کردن نشریات اپوزیسیون، دعوت به اعمال قهر و قیام مسلحانه است. در میان نشریات ممنوع شده، برخی مطبوعات ناسیونالیستی نیز وجود دارند: علاوه بر این نشریات، برنامه تلویزیونی ۶۰۰ خانیه نیز که علیه پلتنسین موضع گرفته بود، ممنوع شد.

پراودا و ساوتسکایا راسیا، اقدام دولت پلتنسین را مغایر با قانون مطبوعات دانستند و اعلام کردند سردبیران خود را برکنار نخواهند کرد. گنادی سازنیف سردبیر پراودا تصمیم دولت را خشن و خود سرانه خواند. اعضای هیات تحریریه ساوتسکایا راسیا اعلام کردند علیه تصمیم دولت به دادستان کل روسیه شکایت خواهند کرد.

از جمله اقدامات سرکوبگرانه دیگر پلتنسین، می توان از اعمال فشار بر شوراهای محلی و منطقه ای برای اعلام انحلال خود نام برد. پلتنسین می خواهد به جای شوراهای موجود، نهاد های کوچک تری تشکیل دهد. بسیاری از شوراهای جریان جنگ قدرت میان پلتنسین و پارلمان، از پارلمان حمایت کردند.

در هفته های گذشته، برخی شوراها از خواست پلتنسین تبعیت کردند. شورای عالی جمهوری خود مختار یاکوتیا که یک منطقه بزرگ سیبری است، رأی به انحلال خود داد. اما بسیاری دیگر از شوراها در برابر اراده پلتنسین مقاومت می کنند.

نیکلای گولوشکوف رئیس وزارت امنیت روسیه اعلام کرد این وزارتخانه از این پس مراقب فعالیت های گروه های افراطی خواهد بود. گولوشکوف ضمن تاکید بر این نکته که منظور وی، گروه های مسلح قهر است و نه احزاب دمکراتیک، افزود مراقبت امنیتی در مورد برخی از احزاب شامل گروه های در درون آنها خواهد بود و



فاتحان پارلمان. قدرتی که از لوله این تفنگها اعمال شد، از هم اکنون نقش خود را بر مبارزه انتخاباتی به منظور گزینش پارلمان جدید باقی گذارده است

موافقید؟ برخی نیروهای سیاسی روسیه، خود را آماده شرکت در انتخابات پارلمانی ۲۱ آذر می کنند. گورچیدر نخست وزیر سابق و معاون فعلی نخست وزیر و گنادی بوربولیس از نزدیکان پلتنسین، حزبی بنام انتخاب روسیه تشکیل داده اند. سرگئی شاخرای یکی دیگر از مشاوران پلتنسین، جریانی بنام وحدت و یکپارچگی روس تا سیس کرده است. به غیر از شاخرای، تقریباً همه مقامات عالی رتبه طرفدار پلتنسین عضو بلوک انتخاب روسیه اند. آندره کوزیرف وزیر خارجه در نخستین کنگره این گروه گفت انتخاب روسیه خود را مرکز فعال اصلاحات می داند. هدف جریان مزبور تبدیل شدن به بزرگترین نیرو در پارلمان آینده است. آنانولی چوپایس وزیر خصوصی سازی روسیه می گوید ائتلاف طرفدار پلتنسین

برخی نیروهای سیاسی روسیه، خود را آماده شرکت در انتخابات پارلمانی ۲۱ آذر می کنند. گورچیدر نخست وزیر سابق و معاون فعلی نخست وزیر و گنادی بوربولیس از نزدیکان پلتنسین، حزبی بنام انتخاب روسیه تشکیل داده اند. سرگئی شاخرای یکی دیگر از مشاوران پلتنسین، جریانی بنام وحدت و یکپارچگی روس تا سیس کرده است. به غیر از شاخرای، تقریباً همه مقامات عالی رتبه طرفدار پلتنسین عضو بلوک انتخاب روسیه اند. آندره کوزیرف وزیر خارجه در نخستین کنگره این گروه گفت انتخاب روسیه خود را مرکز فعال اصلاحات می داند. هدف جریان مزبور تبدیل شدن به بزرگترین نیرو در پارلمان آینده است. آنانولی چوپایس وزیر خصوصی سازی روسیه می گوید ائتلاف طرفدار پلتنسین

برخی نیروهای سیاسی روسیه، خود را آماده شرکت در انتخابات پارلمانی ۲۱ آذر می کنند. گورچیدر نخست وزیر سابق و معاون فعلی نخست وزیر و گنادی بوربولیس از نزدیکان پلتنسین، حزبی بنام انتخاب روسیه تشکیل داده اند. سرگئی شاخرای یکی دیگر از مشاوران پلتنسین، جریانی بنام وحدت و یکپارچگی روس تا سیس کرده است. به غیر از شاخرای، تقریباً همه مقامات عالی رتبه طرفدار پلتنسین عضو بلوک انتخاب روسیه اند. آندره کوزیرف وزیر خارجه در نخستین کنگره این گروه گفت انتخاب روسیه خود را مرکز فعال اصلاحات می داند. هدف جریان مزبور تبدیل شدن به بزرگترین نیرو در پارلمان آینده است. آنانولی چوپایس وزیر خصوصی سازی روسیه می گوید ائتلاف طرفدار پلتنسین

پایان در توبه قدرت باز گشت

نیاز ندارد و برای دومین بار نخست وزیر یونان می شود. انتخابات پیش رس یونان، بعثت انشعاب ساماراس وزیر خارجه پیشین دولت میسوتاکیس از دمکراسی نوین ضرورت یافت. میسوتاکیس با این انشعاب، اکثریت خود را در پارلمان از دست داد. انگیزه انشعاب، اختلاف بر سر نحوه برخورد به مسئله مقدونیه بود. ناسیونالیستهای افراطی یونان، از جمله ساماراس، معتقدند

نیاز ندارد و برای دومین بار نخست وزیر یونان می شود. انتخابات پیش رس یونان، بعثت انشعاب ساماراس وزیر خارجه پیشین دولت میسوتاکیس از دمکراسی نوین ضرورت یافت. میسوتاکیس با این انشعاب، اکثریت خود را در پارلمان از دست داد. انگیزه انشعاب، اختلاف بر سر نحوه برخورد به مسئله مقدونیه بود. ناسیونالیستهای افراطی یونان، از جمله ساماراس، معتقدند

در انتخابات ۲۰ مهر پارلمان یونان، جنبش سوسیالیستی پان هلن (پاسوک) به رهبری آندره اس پاندرنو، با کسب ۴۶/۹ درصد آرا، میزان آرای خود را در قیاس با انتخابات سه سال پیش ۱۸/۳ افزایش داد. حزب محافظه کار دمکراسی نوین به رهبری کوس تاس میسوتاکیس ۷/۶ درصد آرا خود را از دست داد و تنها به ۳۹/۳ درصد آرا دست یافت. حزب بهار سیاسی به رهبری آنتونیس ساماراس وزیر خارجه است. دولت میسوتاکیس، ۴/۹ درصد آرا را کسب کرد و ۱۰ نماینده به مجلس خواهد فرستاد. حزب کمونیست یونان ۴/۵

قاتلان کریس هانی به اعدام محکوم شدند

نیروی هوایی را غارت کردند، رابطه دارد. چهار روز قبل از جنایت، یعنی ۱۷ فروردین قاتل سلاح خود را از دربی لونیس و همسرش نحویل گرفت. دیدار این سه نفر حتی در تقویم همسر دربی لونیس نیز یادداشت شده است. خدمتکار زن سیاه پوست که دربی لونیس، در دادگاه شهادت داد که در اتاق نشیمن خانه دربی لونیس، او را به همراه والوتس دیده است و همچنین متوجه شده است که والوتس تانچه ای در دست دارد.

یک قاضی دیوان عالی کشور آفریقای جنوبی، دونفر را به جرم قتل کریس هانی دبیر کل فقید حزب کمونیست آفریقای جنوبی به اعدام محکوم کرد. دادستان دادگاهی که این حکم را صادر کرده است گفت محو فیزیکی متهمان تنها پاسخ مناسب به جنایت بی رحمانه و تکان دهنده آنهاست. این دادستان افزود آفریقای جنوبی نمی تواند اجازه دهد که کشور با قتل سیاستمدارانش دچار هرج و مرج و جنگ داخلی شود. قاضی دادگاه اظهار داشت دولت باید جلوی پیروی دیگران از عمل قاتلان کریس هانی را بگیرد. کریس هانی روز ۲۱ فروردین امسال توسط یک مهاجر لهستانی بنام بانوش والوتس به قتل رسید. والوتس و کلیودر بی لونیس از اعضای سرشناس حزب محافظه کار و طرفدار پروپاقرص آپارتاید، از سوی دادگاه مجرم شناخته شدند. دربی لونیس، باراستگراییان افراطی که چند سال پیش یک انبار اسلحه

نیروی هوایی را غارت کردند، رابطه دارد. چهار روز قبل از جنایت، یعنی ۱۷ فروردین قاتل سلاح خود را از دربی لونیس و همسرش نحویل گرفت. دیدار این سه نفر حتی در تقویم همسر دربی لونیس نیز یادداشت شده است. خدمتکار زن سیاه پوست که دربی لونیس، در دادگاه شهادت داد که در اتاق نشیمن خانه دربی لونیس، او را به همراه والوتس دیده است و همچنین متوجه شده است که والوتس تانچه ای در دست دارد.

اعدام ۱۳ بنیادگر در الجزایر

سوسیالیست ها به رهبری آیت احمد، حزب اتحاد (کمونیست های سابق)، جبهه رهایی بخشی ملی (حزب حاکم سابق) و نیز گروه مذهبی میانه روی حماس به مذاکره بپردازد. با اینکه نخست اعلام شد جبهه نجات اسلامی نیز که در انتخابات ۱۹۹۲ به پیروزی رسید، در گفتگوها شرکت خواهد کرد، این جبهه در مذاکرات با کمیسیون حضور ندارد.

در روز ۱۹ مهرماه در الجزایر ۱۳ بنیادگرای اسلامی که توسط دادگاههای ویژه به مرگ محکوم شده بودند، اعدام گردیدند. از جمله اعدام شدگان، رهبر یک گروه مخفی است که مسئول عملیات تروریستی متعددی در الجزایر شناخته می شود. از هنگام برقراری مقررات فوق العاده در فوریه ۱۹۹۲ تا کنون، در حدود ۳۰۰ نفر از بنیادگرایان به اعدام محکوم شده اند. بسیاری از این احکام، غیابا صادر شده است. با اعدامهای اخیر، شمار اعدامهای سیاسی دو سال اخیر الجزایر به ۲۶ بالغ شد.

قرارات شورای دولتی پنج نفره حاکم به ریاست علی کافی تا پایان سال ۱۹۹۳ استعفا دهد. هدف از مذاکرات کمیسیون با احزاب، تعیین ارگان جانشین این شورا است. دو سال حکومت شورای دولتی در الجزایر نشان داده است که رژیم حاکم قادر به حل بحران از طرف مقابل فخر آمیز بنیادگرایان نیست. بر خلاف ادعای رژیم حاکم، تروریسم و بنیادگرایی مسائل زودگذری نیستند، بلکه می روند تا سیاست و اقتصاد الجزایر را به طور درازمدت فلج کنند.

جمهوری مقدونیه یوگسلاوی پیشین، حق استفاده از این نام را ندارد و مقدونیه از لحاظ تاریخی نام یک استان یونان است. هنگامی که دولت میسوتاکیس تصمیم گرفت راه توافق در این باره را باز کند، ساماراس وزیر خارجه وقت به مخالفت برخاست و از موضع ناسیونالیستی، مقدونیه را به مسئله اصلی انتخابات تبدیل کرد. اوضاع اقتصادی یونان بحران زده است. در شرایطی که بازار مشترک برای سیاستهای مالی و اقتصادی یونان، چارچوب تنگی تعیین کرده است پایان در توبه با وعده های فراوان آرام مردم را جلب نمود.

تکمیل مالی شما
تداوم مبارزه ما
علیه استبداد حاکم بر کشور است

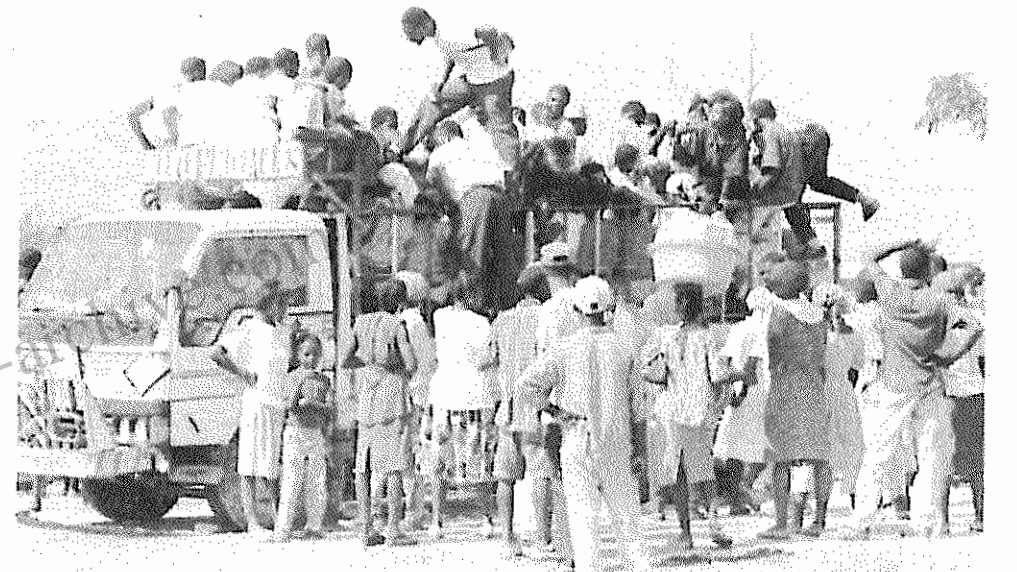
هائیتی، کانون تازه بحران

در برابر نیروهای سازمان ملل فراخوانده شدند. دو هفته پیش، در هنگامی که نیروهای آمریکایی برای نظارت بر انتقال قدرت به دولت غیر نظامی قصد پیاده شدن در پورت اوپرنس را داشتند، تظاهرات مسلحانه شبه نظامیان در اسکله مانع ورود نظامیان آمریکایی شد. با این حال، سدرای اعلام کرده است که مایل به درگیر شدن با ایالات متحده نیست.

در آمریکا، تلاش ناموفق برای پیاده کرده دو دست نظامی در هائیتی باعث بروز اختلافاتی میان وزارت خارجه و وزارت دفاع شده است. در حالی که بعضی مقامات وزارت دفاع، وزارت خارجه را متهم به عدم ارزیابی درست اوضاع هائیتی در آستانه اعزام ناظران آمریکایی به این کشور کردند، وارن کریستوفر وزیر خارجه این انتقادات را رد کرد. رابرت دول رهبر اپوزیسیون

برتران آریستید رهبر یک حزب مشکل از جنبش های دهقانی وضد دیکتاتوری انجامید. به ویژه محروم ترین اقشار جامعه هائیتی در این انتخابات به آریستید رای دادند. آریستید، کشیشی است که طبق سنت بسیاری از همقطاران خود در آمریکای لاتین، با الهام گرفتن از اندیشه های سوسیالیستی از مساوات و عدالت اجتماعی دفاع می کند.

امازماداری او هشت ماه بیشتر به طول نیانجامید. در مهرماه ۱۳۷۰، ارتش، رئیس جمهور منتخب را سرنگون کرد. انگیزه های این کودتا روشن بود. آریستید بلافاصله پس از روی کار آمدن، کوشید ارتش را تصفیه کند، بر درآمد اقشار ثروتمند مالیات وضع نماید و روند دمکراتیزه کردن هائیتی را ادامه دهد. در نتیجه اقلیت متمول هائیتی همراه متحدان دیرینش پلیس و ارتش، آریستید را سرنگون کردند.



بدنبال افزایش شمار قتل های سیاسی و بالا گرفتن بحران در هائیتی، بسیاری از ساکنان پورت اوپرنس پایتخت این کشور از این شهر می گریزند

کرده اند. هفته گذشته، آمریکائش و کاناداسه کشتی جنگی به نزدیکی سواحل هائیتی فرستادند. مادلین آلبرایت نماینده آمریکا در سازمان ملل امکان مداخله نظامی این کشور در هائیتی را منتفی ندادند.

ژنرال رانول سدرای بحران هائیتی را یک مسئله داخلی دانست و پیشنهاد کرد در این باره مذاکراتی به سرپرستی واتیکان انجام دهد. سدرای افزود با زداشت ژان برتران آریستید رئیس جمهور منتخب هائیتی که در سال ۱۳۷۰ توسط نظامیان سرنگون شد، منوط به اعلام عفو عمومی است.

گروه های شبه نظامی دست راستی، هواداران خود را به مقاومت کرده اند. هفته گذشته، آمریکائش و کاناداسه کشتی جنگی به نزدیکی سواحل هائیتی فرستادند. مادلین آلبرایت نماینده آمریکا در سازمان ملل امکان مداخله نظامی این کشور در هائیتی را منتفی ندادند.

ژنرال رانول سدرای بحران هائیتی را یک مسئله داخلی دانست و پیشنهاد کرد در این باره مذاکراتی به سرپرستی واتیکان انجام دهد. سدرای افزود با زداشت ژان برتران آریستید رئیس جمهور منتخب هائیتی که در سال ۱۳۷۰ توسط نظامیان سرنگون شد، منوط به اعلام عفو عمومی است.

گروه های شبه نظامی دست راستی، هواداران خود را به مقاومت کرده اند. هفته گذشته، آمریکائش و کاناداسه کشتی جنگی به نزدیکی سواحل هائیتی فرستادند. مادلین آلبرایت نماینده آمریکا در سازمان ملل امکان مداخله نظامی این کشور در هائیتی را منتفی ندادند.

ائتلاف ده گروه فلسطینی مخالف عرفات

بنیاد گرای حماس و جهاد اسلامی شرکت دارند. شورای مرکزی ساف که ۱۰۷ عضو دارد، دو هفته پیش بدون حضور نمایندگان گروه های مخالف عرفات که اجلاس شورا را تحریم کرده بودند، به قرارداد غزه-اریحا رای مثبت داد.

در ادامه روند های صلح انتظار می رود هزاران زندانی فلسطینی از زندانهای اسرائیل آزاد شوند. قرار است در مرحله اول، ۴ تا ۵ هزار نفر از مجموع ۱۲ هزار فلسطینی اسیر، آزادی خود را بایزایابند. شیون پز

۱۰ گروه فلسطینی مخالف عرفات طی یک گردهمایی در دمشق، جبهه متحدی علیه قرارداد خود مختاری غزه-اریحا و یاسر فلسطین (ساف) تشکیل دادند. این جبهه نام "جبهه ملی، دمکراتیک و اسلامی را بر خود گذاشته است. از اهداف جبهه، تجدید سازماندهی ساف و برکناری عرفات اعلام شده است. در جبهه مزبور، از جمله جبهه خلق به رهبری جرج حبش، جبهه دمکراتیک به رهبری نایف حواتمه، گروه های طرفدار سوریه و دو گروه

پردند. حداقل ۱۵۰۰ نفر از این آوارگان جان خود را از دست دادند. هم دولت بوش و هم دولت کلینتون، پناهندگان هائیتیایی را بر خلاف پناهندگان کوبایی به کشورشان بازگردانده اند. اما این امر از ابعاد فرار دسته جمعی از هائیتی نکاسته است. بر اثر اعمال محاصره اقتصادی توسط سازمان کشورهای قاره آمریکا، که پس از کودتا وضع گردید، بحران شدید اقتصادی نیز بر بحران سیاسی در هائیتی افزوده شده است. بسیاری از شرکتهای خارجی، هائیتی را بدنبال یافتن نیروی کار ارزان در کشورهای دیگر آمریکای مرکزی ترک کرده اند. صدها هزار نفر از مردم هائیتی که در صنایع و کشاورزی با دستمزدهای کم کار می کردند، بیگار شده اند. مطبوعات غربی، هائیتی را سوماتی آمریکای لاتین نامیده اند. در این کشور، فقر و گرسنگی گسترده است. در چنین شرایطی، غیر قابل درک می بود اگر آمریکا که به بهانه جنگ داخلی و گرسنگی در سوماتی که هزاران کیلومتر از ایالات متحده فاصله دارد، مداخله می کند، در قبال یک سوماتی جدید در نزدیکی سواحل خود بی تفاوت باشد.

البته هجرت پناهندگان از هائیتی به آمریکا، مطمئناً تنها انگیزه دولت کلینتون در حمایت از اعمال فشار سازمان ملل بر رژیم کودتا در هائیتی نبوده است. ایالات متحده سه سال است که چیزی دیگری در کارائیب یعنی کوبا را، مورد محاصره اقتصادی قرار داده است و اکنون نیز به فشار شدید خود علیه کوبا، به منظور برکناری کاسترو ادامه می دهد. واشنگتن با یک محاسبه ساده، بنا بر این می گذارد که یک مدافع الهیات رهایی بخش پس از بازگشت به قدرت با حمایت ایالات متحده آمریکا، میدان مانور چندانی برای تحقق ایده های سوسیالیستی نخواهد داشت، اما در عوض، راه برای دخالت فعالتر آمریکا در حوزه کارائیب و تدارک تحولات مطلوب در کوبا، باز خواهد شد.

حاکمان هائیتی روی این امکان حساب میکنند که در آمریکا با توجه به تجارب منفی سوماتی و "نامطلوب بودن پیشینه و مواضع سیاسی آریستید، مقاومت در برابر شرکت ایالات متحده در اجرای تصمیمات شورای امنیت در مورد هائیتی گسترش یابد. بدون شک، اظهارات انشقاق آمیز رهبر جمهوریخواهان در سنای آمریکا در مورد مشی دولت کلینتون، ژنرال سدرای دیکتاتور هائیتی را جری تر کرده است.

جایزه صلح نوبل به ماندلا و دکلرک تعلق گرفت

نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا (ان. سی.)، و فردریک ویلم دکلرک رئیس جمهور آفریقای جنوبی، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۹۳ شدند. کمیته تصمیم گیرنده درباره جایزه صلح نوبل در اسلوپایتخت نروژ، انگیزه اعطای جایزه به ماندلا و دکلرک را "تلاش برای محو مسالمت آمیز آپارتاید" اعلام کرد. در بیانیه این کمیته آمده است ماندلا و دکلرک بنیان یک آفریقای جنوبی دمکراتیک را گذاشته اند. این بیانیه می افزاید رهبرای ان. سی. و رئیس جمهور آفریقای جنوبی با حرکت از مواضع متفاوت خود در مورد اصول گذار به یک نظم نوین سیاسی مبتنی بر اصل هرنفریک رای به توافق رسیده اند. کمیته نوبل خاطر نشان می کند ماندلا

ادامه در صفحه ۹

بوتو بار دیگر نخست وزیر پاکستان شد

نمایندگان پارلمان مهمترین ایالت پاکستان، به ریاست پارلمان انتخاب گردید. بوتو هفتمین کابینه پاکستان طرف مدت پنج سال را تشکیل می دهد. وی اعلام کرد در پاکستان یک دوره اصلاحات آغاز خواهد شد. بوتو از ارتش بخاطر تضمین امنیت انتخابات تشکر کرد و گفت



رفتارش با اپوزیسیون به رهبری نواز شریف، توام با احترام خواهد بود زیرا ممکن است این اپوزیسیون، دولت فردا را تشکیل دهد.

بوتو اعلام کرد میخواهد به انزوای سیاسی پاکستان بخاطر برنامه هسته ای این کشور، پایان دهد. البته بی نظیر بوتو خود بارها از این برنامه هسته ای حمایت کرده است. معین قریشی نخست وزیر موقت پاکستان یک روز پیش از انتخاب بوتو گفت این کشور تا وقتی اختلاف با هند بر سر مسئله کشمیر ادامه دارد، نمی تواند از برنامه هسته ای خود چشم پوشی کند. در فاصله دو هفته بین انتخابات پارلمان و رای گیری در پارلمان جدید برای انتخاب نخست وزیر، پاکستان شاهد کشمکشهای

ادامه در صفحه ۹

جایزه صلح نوبل به ماندلا و دکلرک تعلق گرفت



ود کلرک با تمرکز توجه خود بر آینده و بریک آفریقای جنوبی مصالحه و نه بر زخم های عمیق گذشته، خصایل مثبت شخصی و جسارت سیاسی فوق العاده از خود نشان داده اند.

جایزه صلح نوبل که با یک مبلغ حدود ۸۵۰ هزار دلار همراه است، هر سال روز هم دسامبر در سالگرد درگذشت آلفرد نوبل طی مراسمی در اسلوپایتخت نروژ به برنده آن اعطا می شود. در حالی که دکلرک نخستین شهروند سفید پوست آفریقای جنوبی است که برنده جایزه صلح نوبل می شود، قبل از این، دو شخصیت سیاه پوست از آفریقای جنوبی بخاطر مبارزه علیه آپارتاید این جایزه را بخود اختصاص داده اند: آلبت

ادامه در صفحه ۹